

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

از گان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

سعید رضوانی

معجزات امام:

تبدیل آدم به آدمکش

معامله کننده یک دولت معقول و مسئول. این رفتاری که اکنون در انگلستان و فرانسه با نمایندگان جمهوری اسلامی و دفاع سیاسی و اقتصادی ایران میشود، حتی از رفتاری که با شبکه های گانگستری میکنند بدتر و شرم آورتر است.

ایران متجاوزان و زچهار قرن است که با اروپا روابط سیاسی دارد. در طول این چهار قرن هیچوقت پیش نیا مده بود که سفارت ایران در پاریس را مأمورین پلیس محاصره کنند و از اعضای سفارت، موقع ورود و خروج، ورقه شناسایی بخواهند یا در لندن، به بهانه دزدی یکی از دیپلمات های ایرانی کفش های اعضای سفارتخانه را زیر بغلشان بگذارند و بگویند برگردید به کشورتان!

ما از خودمان و از شما هموطنان شرم داریم

بقیه در صفحه ۱۰

سوریه هم

فاصله میگیرد

یک ناظر روشن بین صحنه خاورمیانه گفته است که اعراب بدون مصرتی توانند با اسرائیل بجنگند و بدون سوریه نمی توانند با آن صلح کنند. کنا رکشیدن مصر از جبهه جنگ کارآسانی نبود، آمدن سوریه بر خط صلح نیز کارآسانی نخواهد بود. مصر آن بخش از خاک خود را که در اشغال اسرائیل بود با مذاکره پس گرفت، آیا سوریه هم خواهد توانست آن قسمت از خاک خویش را که در اشغال اسرائیل است با مذاکره پس بگیرد؟ هنوز مذاکره ای در کار نیست، و اگر هم باشد، برخلاف مذاکره مصر و اسرائیل دوجانبه نخواهد بود، بلکه باید در چهارچوب کنفرانس بین المللی صلح صورت پذیرد.

بقیه در صفحه ۱۰

پرواز

کیکاوس و نمرود

در صفحه ۶

ظواهر " دنیا بر آن شده است که با رژیم آیت الله مثل یک شبکه گانگستری

حسین علی مشکان

حمله و ضد حمله

آنها که تاریخ معا صرا ایران را مطالعه کرده اند کشمکش میان دو جناح رژیم حاکم را، از جبهه ای، شبیه کشمکش می با بند که در آستانه انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی بین طرفداران سردار سپه و جناح مخالف وی جریان داشت.

البته شباهت، نه از نظر شخصیت طرفین دعواست، بلکه از نظر حیاتی بودن موضوع. به قول خود آخوندها - متنازع فیه، که از این جهت تا آن است.

مجلس چهارم هنگامی به آخرسید که احمد شاه در اروپا بسر میبرد و اعتنائی چندانی به اوضاع ایران نداشت. محمد حسن میرزا ولیعهد، برادر احمد شاه، مورسلطنت را تکفل میکرد و رضا خان سردار سپه رئیس الوزرا و فرمانده کل قوا بود.

درگیری بین رئیس الوزرا و دربار راز آن حد گذشته بود که قابل پرده پوشی نباشد. همه میدانستند که سردار سپه مقدمات ترقی خود را به مرتبه بالاتر از ریاست وزرا فراهم میسازد و میخواهد زبیربای شاه و ولیعهد را جا رو بکند.

بقیه در صفحه ۱۲

سوء قصد نا فرجام

به جان مسئول نهضت در انگلستان

آن را برعهده داشت، رخ داد. خبرگزاری فرانسه از لندن می نویسد: پس از آنجا ریمب که در تومبیل آقایی میرپرویز در زیر صندلی کنا را شنیده کا رگذاشته شده بود، دو عا بر بی درنگ برای بیرون کشیدن وی به سوی محل حادثه دویدند و دست به کار شدند.

مسئول شاخه نهضت مقاومت ملی در انگلستان، بی درنگ به بیمارستان منتقل شد و دست و پایش که بر اثر انفجار آسیب دیده بود کج گرفته شد.

بقیه در صفحه ۵

عطسه بیداری غرب

امریکا درصاحبها و شینگتن تا میز رژیم خمینی را خونخوارترین رژیم دنیا از قرون وسطی تا امروز توصیف کرد و افزود: بهبود روابط بین ایالات متحده و ممتی دیوانه زنجیری که برای ایران حکومت می کنند، بسیار بعید است.

بقیه در صفحه ۳

در مصاحبه با رسانه های گروهی

غرب در باره قطع رابطه پاریس - تهران

بختیار: قطع رابطه با

جمهوری اسلامی

اجتناب ناپذیر بود

چهل و هشت ساعت پیش از انقضای مهلت اولتیماتوم ۷۲ ساعت رژیم تهران، دولت فرانسه ساعت دوازده و چهل دقیقه روز جمعه هفدهم ژوئیه اعلام کرد که روابطش را با رژیم جمهوری اسلامی قطع کرده است.

پنجشنبه شانزدهم ژوئیه جمهوری اسلامی به دولت فرانسه اولتیماتوم داده بود که هرگاه تا ۷۲ ساعت دیگر، از محاصره سفارت جمهوری اسلامی در پاریس دست برندارد، روابط خود را با پاریس قطع خواهد کرد.

بقیه در صفحه ۲

در افسانه های که برای کودکان ما نقل میکردند، گاه می آمد:

پادشاه مکار، که به جادوی دیونا بکار به خواب گران فرورفته بود، ناگهان عطسه ای زد و بیهوش آمد.

انگار جهان غرب عطسه بیداری را زده است. از روز بیست و هفتم ماه مه تا روز چهاردهم ماه ژوئیه سال ۱۹۸۷، رهبران غرب، یکی بعد از دیگری، از خواب گران چند ساله بیدار شدند.

روز ۲۷ مه نوبت پریزیدنت رونالد ریگان بود که در یک مصاحبه تلویزیونی خشم خود را نسبت به قانون شکنی و تروریست پوری آخوندهای حاکم بر ایران - بالحنی که برای ملت ایران سخت اهانتمیز بود و با سخودان از دکتر بختیار گرفت - بیان کرد.

روز ۱۱ ژوئن نوبت آقای واین برگر وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا بود که به زیبایی دیگری اعتنائی جمهوری اسلامی به حقوق بشر و موازین بین المللی را به شدت مورد انتقاد قرار دهد. وزیر دفاع

سخنرانی دکتر عبدالرحمن برومند

هدف نهضت

هما نظور که در شماره گذشته با اطلاع خوانندگان گرامی خود را ندیم، از طرف نهضت مقاومت ملی ایران، واحد آلمان غربی، چند جلسه سخنرانی در شهرهای مونیخ، هامبورگ و کلن - از تاریخ ۱۷ تا ۱۹ ژوئیه جاری - ترتیب داده شده بود.

سخنرانان این جلسات، به ترتیب آقایان دکتر عبدالرحمن برومند، دکتر عباسقلی بختیار، دکتر منوچهر رزم آرا، اعضای شورای عالی نهضت مقاومت ملی ایران، بودند.

ما، در این شماره متن کمی کوتاه شده اولین سخنران، آقای دکتر برومند را که در باره هدف نهضت و طریق دستیابی به آن، سخن گفته است بنظر خوانندگان خود میرسانیم:

بقیه در صفحه ۴

در مصاحبه با رساله‌های گروهی عرب در باره قطع رابطه پاریس - تهران

بختیار: قطع رابطه با جمهوری اسلامی

اجتناب ناپذیر بود

بقیه از صفحه ۱

فرانسه، این چنین، با اعلام قطع روابط سیاسی خود با رژیم تهران که نتیجه ناکامی‌های پی‌درپی در زمینه عادی سازی روابط با این رژیم بود، بر جمهوری اسلامی پیشی گرفت.

در پی اعلام قطع روابط دیپلماتیک فرانسه با جمهوری اسلامی، رسانه‌های فرانسوی و آمریکایی با برگزاری چندین محامیه با دکتر بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، نظری را درباره این رویداد بزرگ روزگوارا دادند.

در مصاحبه با آسوشیتد پرس، خبرنگاری آمریکایی، دکتر بختیار را اظهار داشت که قطع مناسبات دیپلماتیک میان فرانسه و جمهوری اسلامی، امری اجتناب ناپذیر بود.

رهبر نهضت مقاومت ملی ایران در این مصاحبه که دوساعت پس از اعلام قطع روابط با فرانسه با جمهوری اسلامی به سراسر جهان مخابره شد اظهار داشت قطع این مناسبات از آن روی اجتناب ناپذیر بود که قوانین حقوق بین الملل از سوی جمهوری اسلامی هرگز محترم شمرده نمی‌شود حتی از سال‌ها پیش زیر پا گذاشته می‌شود. وی افزود نه تنها برای فرانسه بلکه همچنین برای دیگر کشورهای غربی غیرممکن است که بتوانند با ملایان جمهوری اسلامی روابط برقرار سازند. من فکر می‌کنم که ملایان نمی‌توانند مستقیماً غیرمستقیم بر ایران حکومت می‌کنند، فاسدان و تباهی‌رانان واقعی هستند که دودستی به قدرت رسیده‌اند، اما به نظرم رسد که قدرت هر روز هر چه بیشتر از چنگ آنان خارج می‌شود.

دکتر بختیار این نظریه را که در درون رژیم جمهوری اسلامی، عناصر معدودی یافت می‌شوند که در گذشت غیرممکن است از بطن رژیم ملایان، رژیم معتدلی بیرون آید. دکتر بختیار درباره روندی که متعاقب قطع روابط آغاز خواهد شد اظهار داشت که امیدوارم کارها به طرز عادی و بی‌احترامی به قوانین بین المللی، پیش برود.

اما به ملایان حاکم بر ایران هیچ اطمینانی نمی‌توان کرد. آسوشیتد پرس در بیانیه‌ای که به خبرنگاران دربارت بختیار می‌نوید: نخست وزیر پیشین ایران گفت که جامعه ایران نباید تبعیدی بی‌گمان از این که فرانسه نخستین قدرت بزرگ اروپایی است که با جمهوری اسلامی قطع رابطه می‌کند، بسیار مسرور است.

رهبر نهضت مقاومت ملی ایران در مصاحبه با خبرنگاری فرانسه در بعد از ظهر همان روز، خمینی را رژیم جانوران درنده نامیده، گفت رژیم خمینی قوانین حقوق بین الملل را رعایت نمی‌کند و در برابر آن، بهترین روش قاطع بودن است.

دکتر بختیار در مصاحبه با این خبرنگاری گفت گسست رابطه دیپلماتیک میان فرانسه و جمهوری اسلامی قابل پیش‌بینی بود و کشورهای غربی نمی‌توانند بگویند که در این زمینه تاگاه می‌نشدند.

دکتر بختیار اظهار داشت که با کار بسیار منطقی و استدلال نمی‌توان با یک حیوان وحشی مقابله کرد. وی افزود که ترمش و ملاطفت غرب، رژیم خمینی را تقویت کرد.

دکتر بختیار بر این نکته بسیار رتاء کید کرد که رژیم خمینی را با ملت ایران نباید یکی دانست و افزود که گمان نمی‌کنند گروگان‌های فرانسوی هدف انتقام قرار گیرند. اگر رژیم خمینی به این نتیجه رسیده باشد که در صورت انتقام جویی از گروگان‌ها، واکنش فرانسه، قاطع و بی‌وقفه خواهد بود پیش از دست زدن به عملی غیر قابل جبران، به عواقب آن خواهد اندیشید.

دکتر بختیار جمع شنبه در مصاحبه با رادیو "فرانس انتر"، اظهار داشت من با کارها به غرب هشدار دادم که بنیاد رژیم خمینی بر تروریسم و کوردلی و تاریک اندیشی بنا شده است. جمهوری اسلامی همواره از تروریسم به عنوان یک ابزار کارا استفاده کرده است و تردید نیست که تروریسم خود محصول تاریک اندیشی و وابستگی است.

بختیار در مصاحبه با کوتیدین:

بر ایران قانون جنگل حکومت می‌کند

باید آن را متحداً به منظور تحمیل صلح، ادا می‌دهند. این روند صلح را باید تا پایان پیمود، زیرا این روند به نفع همه تمام می‌شود، همه نفع ایران، عراق و عربستان و همه نفع تمامی منطقه اکنون نیز شامل مساعی در این زمینه به چشم می‌خورد و آن این که ایالات متحده و اتحاد شوروی، هر دو، هر کدام به دلایل خاص خود به این نتیجه رسیده‌اند که واقعا دیگر هیچ امیدی به جمهوری اسلامی نیست.

کوتیدین - اما در فرانسه، نتایجی که مایه نگرانی ماست، بسیار فوری تر است: تهدید گروگان‌های ما و گسترش تروریسم. آیا می‌توان این خطر را نادیده گرفت؟

بختیار - نخست می‌توان گفت که تهدیدها بی‌گانه‌اند زیرا گروگان‌های فرانسوی اسیر در لبنان ساپا فکند، ثابت می‌کند که سرخ این ماجرا در دست خمینی قرار دارد. سپس، تهدید و باج خواهی بر سر گروگان‌ها ادا می‌شود. خواهی‌ها و این به راستی مایه نگرانی است، اما حتی اگر فرانسه به همه خواست‌های گروگان‌گیران تن در می‌داد، معلوم نبود زمین فردا دوباره دست به گروگان‌گیری نزنند. آن‌ها مانده‌اند فکر نمی‌کنند، بر ایران قانون جنگل فرمان می‌راند. باید بگویم که فرانسه کمی بیش از اندازه به سرنوشت گروگان‌ها توجه کرد. این امر، برگشتن و وقاحت گروگان‌گیران افزوده است.

کوتیدین - آیا به زعم شما از آخرین تحول‌های ماجرای فرانسه و جمهوری اسلامی عناصر مثبتی منتج می‌شود؟

بختیار - مسلماً، به ویژه اگر تلاش‌ها به صورت جمعی ادا می‌شود.

کوتیدین - چاپ پاریس - ۱۸ ژوئن ۱۹۸۷

کوتیدین - آیا از قطع روابط دیپلماتیک میان پاریس و تهران شادمانی می‌کنید؟

بختیار - نخست بگذارید به شما بگویم که به نظر من، این قطع رابطه، قابل پیش‌بینی بود. ما بایست منتظر آن می‌بودیم، زیرا همزیستی با باندی که به رغم خواست و اراده ملت ایران بر ایران حکومت می‌کند و نه قانون را گرامی می‌دارد، نه اخلاق بین المللی را، به راستی غیرممکن بود. فرانسه با همه حسن نیتی که نشان داد، چگونه می‌توانست به داشتن مناسباتی پایدار با چنین رژیمی امید بندد؟

پاریس بارها کوشید روابط خود را با تهران عادی سازد، اما من می‌دانستم که این کوشش‌ها، بروباری نخواهد داد. در یک سو، کشوری قرار داشت که عقیده‌ها رد حقوق بشر و زنناپذیر است، و در سوی دیگر، کسانی که نه حیات انسان را محترم می‌شمارند، نه آزادی‌های ابتدائی را.

کوتیدین - آیا تحولی که به قطع روابط دیپلماتیک میان دو کشور انجامیده است، به زعم شما، برگشت ناپذیر بود؟

بختیار - ببینید، فرانسه کشوری است که در آن، منطقی وجود دارد. آیا می‌توان با جانوران سبغ مذاکره کرد؟ جز قطع رابطه، راه حل دیگری وجود ندارد و حتی می‌توانم بگویم اگر من بودم، بسیار سریع تر، این کار را انجام می‌دادم. باید بگویم که گفتن رابطه بود و رئیس جمهوری و نخست وزیر فرانسه همین روش شجاعانه را اتخاذ کردند.

کوتیدین - به نظر شما، در اوج گیری بحرانی که این روزها میان پاریس و تهران رخ داد، نقشی که می‌توان به رقابت جناح‌های متفاوت حاضر در محنه سیاسی ایران نسبت داد چه اندازه است؟

بختیار - این عاملی است که به بدبختانه درباره آن بسیار مبالغه شده است و متأسفانه این امریکاییان بودند که برای نخستین بار گفتند: ما با عناصر معتدل رژیم جمهوری اسلامی کنار نخواهیم آمد.

ملایان حاکم، عناصر معتدل ندارند. آن‌ها عناصر مرمک و بیش خونخوار دارند. هیچیک از جناح‌های این رژیم، قوانین بنیادی دمکراسی را رعایت نمی‌کنند. هیچیک از این جناح‌ها، قابل تحمل تر از جناح دیگر نیست. مسلماً، مظهر و نماد خمینی است، اما مدعیان دیگر نیز سزدر صورتی که به قدرت برسند، بهتر عمل نخواهند کرد. آن‌ها کار دیگری نمی‌توانند بکنند مگر این که همین رژیم را پایدار نگاه دارند یا این که از میان ببرند.

کوتیدین - نتایج این قطع رابطه اکنون چه می‌تواند باشد؟

بختیار - نخست، روندی آغاز شده است که اکنون پنج قدرت بزرگ شورای امنیت

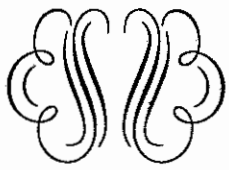
نامه دکتر بختیار به نخست وزیر انگلستان

۲ - مراکز معاملات اسلحه رژیم جمهوری اسلامی را در انگلستان تعطیل و فروش و تحویل لوازم نظامی، اسلحه از قتل و غیر قتل را به طرفین متخاصم ممنوع سازد.

۳ - بدون توجیه و وضع فعلی روابط دیپلماتیک بین ایران و انگلستان، در مورد دورروا دید برای ایرانی‌ها که برای معالجه، تحصیل یا دیدار بستگان خود، قصد مسافرت به انگلستان را دارند، تسهیلات لازم را فراهم سازد و درخواست بنا هندی افرادی را که با قرار مظلوم رژیم وحشی خمینی، سرزمین مادری خود را ترک می‌کنند، با نظر مساعد تلقی کند.

دکتر بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران طی نامه‌ای که روز دهم ژوئیه به عنوان خانم مارگارت تاچر نخست وزیر انگلستان ارسال داشت، ضمن تشریح نتایج فلاکت بار جنگ ایران و عراق و وضع زندگی طاقت فرسای مردم ایران در دوران حکومت جمهوری اسلامی و با اشاره به اینکه به علت استبداد و خنثی حاکم در داخل مملکت ملت ایران با سختی و ازجان گذشتگی بسیار مبارزه بر ضد رژیم خمینی را به پیش می‌برد، از دولت انگلستان خواستار گردید:

۱ - کوشش همه جانبه خود را از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق بیکار برود.



هم میهنان عزیز!

هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

عطسه بیداری غرب

بقیه از صفحه ۱

روز ۷ ژوئیه آقای ژاک شیراک نخست وزیر فرانس در مصاحبه با روزنامه لوموند در مقام پاسخگوئی به شراکت های رژیم آخوندی، اظهار داشت من معتقدم با کسانی که تعهدات و قوانین بین المللی را رعایت نمی کنند، مذاکره بی فایده است. زیرا خلاف مصالح ما و حتی مصالح خودگروگانهاست. این امر در باره کشورهای نیز که قوا عدوموا زین بین المللی را به هیچ میگردمصدق است. آقای فرانسوا میتران رئیس جمهوری فرانسه در مصاحبه تلویزیونی روز ۱۴ ژوئیه گفت: فرانسه دشمن ایران نیست ولی زیر بار شرایط رژیم خاک نمی رود. کشوری مثل فرانسه که شایسته تاریخ باشد در برابر برتهدید و زورگوئی و باج خواهی سر تسلیم فرود نمی آورد. دیگر مردان سیاسی جهان غرب نیز هر کدام به سهم خود قرینهای از بیداری بدست داده اند.

با بیداری مسئولان دنیای آزاد گفت: آقایان، بیداریتان مبارک! اما چرا اینقدر دیر؟ مگر آنهایی که شرف و تنه آخوندیست ستمدار را با پوست و استخوانشان احساس کرده بودند، از آنها پیش شما را از این ورطه پر لجن برحذر نمی داشتند؟ اگر به هشداری دکتر بختیار، که خمینی وعلمه فسادش و بیش از آن، ما هیت رژیم آخوندی را بسیار خوب می شناسخت دل داده بودید، آیا پیش از رسیدن به این مرحله بسیار خطرناک در منطقه بسیار حساس خاور میانه - و بخصوص خلیج فارس که شریان حیاتی جهان آزاد است، عطسه بیداری را نمی زدید؟

دکتر بختیار، از هشت سال پیش در همه سفرها و دیدارها، با دلیل و منطق شما را از سازش با رژیم آخوندی ها حاکم بر ایران - حتی بخاطر منافع دراز مدت خودتان هم شده - برحذر میداشت. ولی وسوسه منافع آنی، پرده ضخیمی بر چشم عاقبت بین شما کشیده بود.

گذشته از این هشداری ضروری، او از طریق وسائل ارتباط جمعی بین المللی، بوسیله پیامها، مصاحبه ها و سخنرانیها، در اینجا و آنجا، میکوشید غرب را بسه مخاطر آید. اما حیات رژیم جمهوری اسلامی برای ایران و جهان، آگاه سازد.

برای تجدید خاطر، صفحات قیام ایران را ورق میزنیم و بعنوان نمونه، در حدود گنجایش نشریه، عبارات هاشمی از پیامهای مداوم و بدون ابهام او را - که مشتاقان از خوار است - نقل می کنیم.

ژوئن ۱۹۸۲

(در مصاحبه با هفته نامه آلمانسی ویر شافتس و خه)

سؤال - آقای بختیار، شما دو سال پیش سقوط نزدیک رژیم مذهبی ایران را پیش بینی کردید، اما جمهوری اسلامی هنوز برقرار است.

جواب - بسیاری از دولت های غربی، از

جمله آلمان فدرال روابط اقتصادی و سیاسی با جمهوری اسلامی دارند و ازین طریق از رژیم حمایت میکنند که به نیروی خود هرگز بیش از یک سال دوام نمی آورد. در واقع من معتقد بودم که برای ملت های متمدن غیر قابل تصور است که کمک خود را به یک چنین رژیم تروریست و خونریز عرضه کنند. این روش نه با منافع دراز مدت آنها توافق دارد و نه با ارزش های اخلاقی جهان غرب که با یک چنین رژیم بربری همکار نکند.

سپتامبر ۸۲

(در مصاحبه با رادیو لوکزا مبورگ)
- ... فکرمی کنم که قدرت ها ثی که از خمینی حمایت کردند، سرانجام در خوارند و وقت آن است که در خلیج فارس، این منطقه بسیار حساس، سیاستی واقع گرا و در عین حال منطقی در پیش بگیرند.

نوامبر ۸۲

(در سخنرانی در انجمن "کنفرانس های بزرگ پارسی و دیپلماتیک")
" من نمی خواهم بگویم که استقرار رژیم خمینی منحصر به نتیجه نظر مسا عد و کمک غربیهاست. تکرار میکنم که ما رژیم فاسد داشتیم، دمکراسی نداشتیم. ولی این برای سرنگونی آن کافی نبود. نظر موافق و سازگاری غرب، در روی کار آمدن خمینی نقش داشته است. به موردی یا لات متحده آمریکا توجه کنید. در تاریخ مدرن جهان هرگز هیچ کشوری تا این اندازه که ایالات متحده از طرف رژیم خمینی تحقیر شده، تحقیر نشده است. به مدت ۴۴ روز دیپلمات های ایمن

کشور برخلاف عرف و قوا عد بین المللی بدست گروهی او با ش زندان شدند. ... ولی آمریکا علیرغم این تحقیرها از خمینی نفت میخرود و سعی میکند به ملاحای معتدل رو بیاورد. آمریکا تنها نیست. انگلستان و فرانسه هم همین کار میکنند.

چند ماه قبل برخلاف همه اصول و قوا عد بین المللی سفیر فرانس را در فرودگاه تهران مثل یک قاچاقچی با زرسی بدنی کردند و چند روز پیش در جراید خواندم که با همه اینها فرانسه تصمیم به اعزام سفیر دیگری به تهران گرفته است. این سازگاری و موافقت با رژیم خمینی تا کی به طول خواهد انجامید؟ کدام کشور خواهد بود که عاقبت شجاعت این را داشته باشد که علنا "تفاضا کند کشوری که قواعد زندگی بین المللی را محترم نمی دارد، از جامعه بین المللی را ندهد؟"

دسامبر ۸۲

(در تلگراف به " کمیسیون فرهنگ فرانسوی " بروکسل - پس از آنصرا ف از سفروا پیراد سخنرانی، بر اثر فشار دولت جمهوری اسلامی)

" با ابراز امتنان از شخصیت های دعوت کننده، بایدا بین واقعیست را پذیرفت که تروریسم هنوز شریک است

و کشورهای دموکراتیک، همچنان که در گذشته نداشتند هیتررا یاری دادند، امروز نیز ناخواسته، به مقاصد و مقاصد انسانی خمینی کمک میکنند. نظریه اینکه با این ترتیب نمیتوانم آزادهای فکری و عقاید را در باره مبارزه ای که برای آزادی میکنم، بیان نمایم، تصمیم گرفتم از این مسافرت صرف نظر کنم."

ژانویه ۸۳

(در مصاحبه با روزنامه بلژیکی "لوسوار") من تمام کشورهای غربی را مورد خطاب قرار میدهم که نسبت به آیت الله خمینی و رژیم سنگینش کمتر گذشت و روی خوش نشان بدهند.

سؤال - آقای بختیار، توقع شما از غرب چیست؟

جواب - ما توقع نداریم که نیروی مسلح به ایران بفرستد، تنها میخواهیم که اینقدر گذشت و مراقت نشان ندهد و شریک جرم رژیم که تا این حد حقوق بشر را زیر پا میگذارد، نشود.

آوریل ۸۳

(در سخنرانی در انجمن "کارفور و لامیتیه") من در آغاز سخن از بعضی همراهیها و حتی نوعی همدستی غرب در موقفت خمینی سخن گفتم. امروز همه می بینیم که علیرغم همه جنایتها، همه جنایات رژیم و علیرغم اینکه خمینی در راه منفورترین حکام جهان قرار گرفته است، کشوری مثل سوئد در صدد توسعه روابط و مبادلات خود با جمهوری اسلامی است."

فوریه ۸۴

(در گفتگو با روزنامه "تایمز لندن") من برای نکته واقف هستم که چگونه بعضی شرکت های غربی به مدور کالاهای جمهوری اسلامی متکی شده اند. من مخالف فروش پنی سلین به ایران نیستم. اما وقتی پای فروش لسوازم یدکی تا نک و هوا پیما به جمهوری اسلامی به میان می آید، یعنی آنچه خمینی را قادر می سازد هزاران تن از کودکان ما را به کام مرگ بفرستد، عمل نابخودند می شود.

مارس ۸۴

(در مصاحبه با مجله عربی "الدستور") من در دیدارهایی که با دولتمردان چند کشور غربی داشتم، آنان را از ادامه سیاست های شان در قبال خمینی و کمک به رژیم و بر حذر داشتم و خطرات ناشی از ادامه این سیاستها را به آنها گوشزد کردم. سیاستمداران مؤمن به دمکراسی نیز، کشورهای خود را از کمک به خمینی بر حذر میدارند. من در سفر آمریکا و انگلیس و کشورهای منطقه،

این همفکری را مشاهده کرده ام. همگی این مردان سیاسی به دولت های خود هشدار داده اند که کمک به روح الله خمینی جهان را با خطرات روزافزون مواجه خواهد کرد و سیاست جنون آمیز این آخوند ممکن است آتش جنگ سوم جهانی را شعله ور سازد.

فوریه ۸۶

(در سخنرانی در شورای روابط خارجی آمریکا، لوس آنجلس)

نیا زبه تکرار این واقعیت نیست که چاه ز

لحاظ روحی و جاه ز نظر عملی، برای غرب اشتباه بزرگی خواهد بود اگر در مورد کمک مالی به حکومت استبدادی و تروریست - پرور خمینی اقدامی به عمل آورد. امروز با روشن شدن مسائلی که در فیلیپین شاهد آن هستیم درمی یابیم که بسیار دور از واقع بینی خواهد بود اگر حکومتی که مورد نفرت مردم است مورد حمایت قرار گیرد. بدین ترتیب بسیار بجا خواهد بود که اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم.

اکتبر ۸۶

(در گفتگو با روزنامه آلمانی "دی ولت") غرب نباید در باره ما هیت و عمل رژیم جمهوری اسلامی دچار توهم شود. اگر چه تروریست ها از انقلاب نیز در ایران وجود داشت ولی به عقیده من هرگز چنین مطلق و چنین گسترده و داری انگیزه دینی نبود. امروز تهران مرکز تروریسم بین المللی است.

ژانویه ۸۷

(در مصاحبه با روزنامه فرانسوی "لوکوتیدین دوپاری")

سؤال - آیا واقع بینان نه میداند که کشورهای غربی روابط خود را با رژیم خمینی عادی سازند؟

جواب - عادی سازی روابط با دولتی که قوانین بین المللی، عدالت و ابتدایی ترین اصول انسانی را پایمال می کند؟ با دولتی که جز در اندیشه صدور انقلاب تعصب بارش نیست؟ چرا می خواهید غربیها مناسبات شان را با چنین دولتی عادی سازند و حال آن که همواره آن را وحشی و بربر توصیف می کنند؟ نمیتوان و نباید با خمینی، مردی که به نام او و تحت مسئولیت او، این همه جنایت انجام شده، سازش کرد. قابل درک می دانم که غرب در آنچه در ایران می گذرد، مداخله نکنند، اما به هیچ روی درست نمی دانم که غرب با معامله با رژیم کنونی، بر آنچه در ایران می گذرد، چشم فرو بندد.

فوریه ۸۷

(در پیام به کمیسیون روابط خارجی اجازب دموکرات مسیحی اروپا)

این رژیم نه تنها در داخل مرزهای خود، با تکیه بر شیوه ارباب و وحشتی بیرحمانه حکومت میکند، بلکه با گسترده شبکه های تروریستی و گروگان گیری در جهان و بسا مداخله آشکار در امور داخلی همسایگان، با توسل به آشوبگری و جنگ، امنیت و صلح خاور میانه و جهان را به خطر می اندازد. آیا این جنگ می توانست بدون حمایت و حتی همدستی پاره ای از دولت ها و از جمله کشورهای دمکراتیک که ملاحای میکوشند با گروگان گرفتن شماری از اتباع بی گناه شان مرعوبشان سازند، ادامه یابد؟ ... تاریخ معاصر جهان بخوبی نشان داده است که در برابر رژیم های از این دست و شریک که در وجودشان تجسم یافته، اقدامات نیم بند و سیاست دست روی دست گذاشتن و دادن امتیاز خطاست.

ژوئن ۸۷

(در نامه سرگشا ده بریکان)
بفرما شید چه نیروهای هشت سال تمام،

بقیه در صفحه ۱۱

سخنرانی دکتر عبدالرحمن برومند

هدف نهضت

بقیه از صفحه ۱

حاکمیت ملی و استقرار آن در مملکت هدف نهضت مقاومت ملی ایران است. مفهوم حاکمیت ملی این است که مردم در داخل کشور آزادادی و دموکراسی بهره مند باشند و در صحنه بین المللی از استقلال، منظوراً ز دموکراسی حکومت اکثریت است با رعایت کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی اقلیت بنحوی که اقلیت مجال و امکان اکثریت شدن را داشته باشد.

این هدف، هدف جدیدی نیست. هدف میهن پرستان و آزادیخواهان مملکت قبل از جنبش مشروطیت نیز همین بود که بدنیا سالها کوشش و تلاش و مجاهدت منجر به انقلاب مشروطیت و تدوین قانون اساسی گردید و حاکمیت ملی بموجب اصل ۲۶ متمم قانون اساسی که میگوید "قوای مملکت ناشی از ملت است" برکسی مقصود نشد و بیه صورت روح قانون اساسی و در واقع علت وجودی مشروطیت متجلی شد زیرا تمام مردم برای بدست آوردن مشروطیت بدین منظور بودند که: اراده ملی را بجزین اراده فردی شود و حاکمیت که در قبضه فرد یا طبقه خاصی بوده با حب حقیقی آن یعنی ملت انتقال یابد و بعبارت دیگر نظام مردم سالاری در مملکت برقرار گردد.

با این توضیح به این نتیجه منطقی میرسیم که هر اصلی از اصول قانون اساسی و متمم آن خواه از اصول اولیه یا اصول اصلاحی یا الحاقی که معارض روح قانون اساسی یعنی حاکمیت ملی باشد یا محدودیتی برای حاکمیت تحمیل کنند فاقد اعتبار و ارزش اجرایی است.

(۰۰۰)

نگاهی بتاریخ ایران از آغاز مشروطیت تا کنون، نشان میدهد که کلیه حرکتها، نهضت‌ها و مبارزات ملی در این مسیر جریان داشته است.

مبارزه علیه قرارداد ۱۹۰۷ منعقد بین روسیه تزاری و انگلستان و تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ برای هر یک از طرفین قرارداد، قیام مسلحانه علیه محمدعلی شاه قاجار، مبارزه وسیع و دامنه دار ملت علیه قرارداد ۱۹۱۹ که بموجب آن ایران عملاً "تحت الحما یه انگلستان قرار میگرفت، مخالفت ملیون ایران با کودتای ۱۲۹۹، مبارزه آزادیخواهان با تغییر سلطنت.

مبارزات آزادیخواهان ملت ایران از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا نهضت ملی کردن نفت در وجهه با دنیای غرب و ضمیمه یکی نیروی سیاه و یکی نیروی سرخ، آن با همه تجهیزات و آپس گرای سنتی برخوردار از حمایت قدرت‌های استعماری رگرجی، این با سیمای مردم فزین طرفداری از طبقات محروم و رنجبر برخوردار از حمایت همه جانبه تعلیماتی، تبلیغاتی و تشکیلاتی یک قدرت تازه نفس خارجی با یک ایدئولوژی جهان شمول ضدملی گرائی.

مبارزات ملت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق برای ملی کردن صنعت نفت مبارزات ملیون ایران علیه نظام نائی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا قیام مردم در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و نخست وزیری شاپور بختیار و بلاخره در ماهین مبارزات برهبری دکتر بختیار از طرف نهضت مقاومت ملی ایران تا امروز همه این حرکتها، قیامها و نهضت‌ها که توأم با فدا شدن تعداد بیشماری از فرزندان جانبا ز سرزمین ما بوده و حماسی ترین بخش تاریخ جدید ایران را تشکیل میدهد بخاطر آینه حاکمیت ملی و استقرار آن صورت گرفته است.

(۰۰۰)

حال باید دید که: چرا مبارزات ملت ایران در این زمینه بعد از زشتا ده سال گرچه گهگاه با پیروزیهای زودگذر توأم بوده است ولی تا کنون منجر به پیروزی قطعی و نهائی نشده است؟ و چگونه میتوان به هدف رسید؟

با سخن به این سؤال را در شناختی عوامل داخلی و خارجی که معارض حاکمیت مردم بوده و هستند میتوان یافت. عوامل داخلی معارض حاکمیت مردم تمام افراد و طبقاتی هستند که بدون لیاقت و استعداد دومی هیچ زحمت و فعالیت در صدد کسب منفعت و ثروت اندوزی هستند و چون تحصیل ثروت و مال اندوزی از طریق مشروع بدون لیاقت و فعالیت میسر نیست ناگزیر با یداز طریق نامشروع مقصود خود را حاصل کنند یعنی عواید حاصل از فعالیت عمومی را که دسترنج قاطبه مردم است به جیب بزنند و بیه قیمت لاغر شدن اکثریت ملت فربه و پورا شوند. برای توفیق در این امر باید مردم آگاهانه باشند، به حقوق خود پی ببرند و احیاناً "اگر حقوق خود را شناختند از احقاق حق ناتوان باشند برای اینکه چنین باشد با یدجهل، اختناق، ترور و وحشت برجا معسایه افکنند، زبانها بسته و قلمها شکسته، اجتماعات ممنوع و انتخابات فرمایشی شود و خلاصه تبعید و زندان و شکنجه و اعدام متداول گردد تا مخالفین داخلی حاکمیت ملی از جمله حکام و فرمانروایان طمع فاسد و

چپا ولگر، آخوندهای مفت خور و بیایمان که دین را دکان کسب معاش و ارتزاق قرار داده اند بخشی از ملاکین و سرمایه داران، قشری از تحصیل کردگان مدعی روشنفکری که رفاهی زحمت میطلبند، جمعی است چاپلوسان و بیست همانند از آن که شمارشان اندک نیست بر خرماد سوار شوند.

اما عوامل خارجی مخالف حاکمیت ملی دولت‌های استعماری و رگرجی هستند که برای کسب و حفظ منافع نامشروع خود در گذشته با اعمال زور و بیگانه بردن قوای نظامی حاکمیت خود را مستقیماً "بر مملکت ضعیف تحمیل میکردند و در شرایط کنونی غیر مستقیم، یعنی از طریق عمال و دست

نشانندگان داخلیان.

بدیهی است که معارضین داخلی و خارجی حاکمیت ملی با قضاوت اشتراک منافع همواره در برابر مملکت متحد "صف آراشی کرده اند و میکنند و همین اتحادنا مقدس با استغاده از فقدان سازمانهای سیاسی ریشه دار و کارهای تشکیلاتی فعال در کشور تا با موزمانع به شمر رسیدن مبارزات ملت ایران بوده است.

حال ببینیم: اگر در طول این مدت ۸۰ سال بجای هدف اصلی که حاکمیت ملی است اهداف سهل الوصول تردیگری که معارضان نیرومند داشت تعقیب میکردید و بیه نتیجه میرسید راه برای نیل به هدف اصلی هموارتر میشد؟ و احیاناً "تاکنون به مقصود رسیده بودیم؟

مثلاً: اگر در زمینه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش برنامهای وسیعی تدوین و اجرا میکردید و نتیجه رشد عملی و فرهنگی کافی نصیب مردم میشد درک حاکمیت ملی برای عموم و تحصیل آن آسان تر نبود؟ اگر اصلاحات اجتماعی دامنه داری را وجهه همت خود قرار میدادیم بنحوی که فقر و تنگدستی ریشه کن میگردد یک موضوع حساس و آسیب پذیر را در نبرد با دشمنان ترمیم نکرده بودیم؟

اگر به توسعه صنایع و معادن کشاوری پرداخته بودیم و در صدد پیشرفت صنعتی جهان قرار میگرفتیم ز قسدرت بیشتری برای مقابله با معارضان برخوردار میشدیم؟

اگر برنامهای جهت گسترش کشاوری تنظیم و بموقع اجرا میگذاشتیم و از لحاظ محصولات کشاوری خود کفایت می شدیم و دیگر نیازی به وارد کردن مواد غذایی ز خارج نداشتیم مکان ایستادگی و مقاومت ما در برابر برمدعیان بیشتر نمیشد؟

مسئله همین جا است. ملتی که حاکمیت مقدرات خویش نباشد آیا قادر است برنامهای صحیح در زمینه اصلاحات داخلی تنظیم کند؟ و اگر برنامهای صحیح داشت آیا میتواند آنها را بدرستی اجرا کند؟

بدون شک نه! چون اگر قرار باشد اجرای چنین برنامهای منجر به تاء میهن حاکمیت ملی شود نیروی نیروهای ملی که حاکمیت خود را بر ملت تحمیل کرده اند هرگز نخواهند گذاشت که این گونه برنامهها بنحوی مطلوب تدوین و اجرا گردد چنانکه در گذشته شاهد بودیم که هیچیک از برنامههای اصلاحی که در این زمینه منتهی به نتیجه دلخواه نشد بلکه برعکس زبان بیشتری برای مملکت و سود بیشتری برای قدرت‌های حاکم بر ما آورد.

پس باید هشیار بود که طرح این قبیل موضوعات انحرافی صرفاً "به منظور مشغول کردن مردم و با زدن آنتها از تعقیب هدف اصلی است. نخست باید بر سر نوشت خویش حاکم شد و آنگاه طرق دستیابی به بهروزی و سعادت را جستجو کرد.

(۰۰۰)

نهضت مقاومت ملی ایران با مطالعه دقیق تاریخچه این مبارزات و تجربیات حاصل از آن چنین نتیجه گیری کرده است که ملت ما در طول مبارزات خود گرچه همواره دشمن را شناخته و با او به نبرد برخاسته است لکن غالباً "گرفتار

دشمنان ناشناخته ای شده که حاصل کوششها و تلاشهای او را ربوده اند. گرچه همیشه علیه نا مطلوب آگاهانه قیام کرده ولی هرگاه از نا مطلوب خلاصی یافته است یا دقیقاً "مطلوب را نمی شناسد و یا امکان بکسی نشان ندادن آنها داشته است. نهضت مقاومت ملی ایران برای مبارزه است که فقط وجود یک تشکیلات منظم و منضبط سیاسی میتواند از طریق تعلیمات و تبلیغات صحیح و دقیق مطلوب را کسب حاکمیت ملی است به مردم بشناسد و امکان بکسی نشان ندادن آنها فراهم سازد و تنها در سایه چنین تشکیلاتی است که میتوان دشمنان ناشناخته آزادی و استقلال را که همچون حرامیان و راهزنان در رهگذر ملیون دام گسترده اند بربازار شناخت و از بروز فاجعه دیگری مانع شد. سلطه آخوندهای بی وطن و ضد ملی جلوگیری کرد.

ممکن است تصور شود که در محیط اختناق و وحشت مجال سازماندهی سیاسی نیست. البته مجال سازماندهی آزاد و علنی نیست و ما دام که حاکمیت ضمیمه بجای حاکمیت ملی نشسته است هرگز چنین مجالی دست نخواهد داد ما این امر نباید ما را سازماندهی منحصر کند و تا ابدا در سنگلاخ سرگردانی و حیرت نگهدارند. مگر ملت‌های دیگری که بخاطر آزادی و استقلال بیخاسته و پیروز شده اند چرا این تنگنا نبوده اند؟ تشکیلات پنهانی با رعایت کلیه ضوابط شناخته شده مربوط به آن ضمن استحکام و انضباط بیشتر نتایج کاملاً دلخواه را ببار میآورد.

بر اساس این باور نهضت مقاومت ملی از بدو تشکیل با ایجاد هسته‌های مخفی مقاومت و گسترش مستمر آنها بسازماندهی در داخل مملکت پرداخت و کار سازماندهی را با همه مشکلات و موانع تا این لحظه بدون وقفه پی گیری نموده و موفقیت‌های چشمگیری در این زمینه تحصیل کرده است.

به موازات آن از طریق رادیو و نشریات تعلیماتی و تبلیغاتی علی‌الدوام هدف نهضت را که استقرار حاکمیت ملی است توضیح و تشریح نموده تا هر چه بیشتر و عمیق تر در اذهان مردم عموماً "وکارهای فعال سازمان خصوصاً "جای گیرند و همچون عقیده‌ای استوار در جانها و ارواها خا نه کند و آنها را بخش مبارزات ملی گردانند و پیوسته در برابر دشمنان از نوظهور و تبا نی‌های آنان علیه مصالح مملکت پرده برداشته و از فریب خوردن و گمراه شدن ملت زیر دستم ایران ممانعت بعمل آورده است.

نهضت مقاومت ملی ایران در صحنه بین المللی هم یک لحظه از تلاش با زنیاستاده است. آنچه در توان این سازمان بوده است در شناختن ما هیت واقعی رژیم فاسد، ضد ملی و غیر انسانی حاکم بر ایران به افکار عمومی جهان نیا ن بکار رفته است.

در روابط خود با قدرتهای خارجی نهضت مقاومت ملی ایران از طرفی عملاً نشان داده است که نه تنها بخاطر تحصیل و

نامه‌ها و نظرها



حاج تمام با فستی از با ما و نوشته های خوانندگان کرامی فقط برای منعکس کردن نظرات و عقاید و سرداشته های شخصی نویسندگان نامه ها ست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی ارکان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته ها نیست. از نویسندگان نامه ها تقاضا می کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود با ما و روشنند تا نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه های که در آن ها نسبت به اشخاص و گروهها هتک حرمت شود و یا عفت و بزرگواری ظلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه ها از ماست.

لوطی غلامحسین های خلقی

تمنا دارم این شرح مختصری را که من از بندبازی لوطی غلامحسینی این جنابان خلقی نوشته ام برای عبرت هموطنانمان (با امضاء محفوظ بخاطر درمانمانندن از تعرضات خلقی) چاپ بفرمائید.

من به تحریک حس کنجکاو که از زمان خیرنگاری جرایم گذشته، در وجودم لانه دارد، به تماشا می تظا هراتی که آقا یان مجاهدین خلق روز ۱۹ جون در شهرین براه انداختند رفتیم. ملاحظات و مشاهدات خودم را برای شما مینویسم. اولاً نحوه جمع آوری افراد و ترکیب افراد شرکت کننده در این تظا هرات قابل توجه است. آقا یان، از ۱۵ روز پیش از تظا هرات، ضمن پخش اعلامیه در بسیاری از برنا مه تظا هرات، در همه شهرهای اطراف به محل سکونت پناهندگان مراجعه کردند و با بیانیات فریبنده در باره آزادیخواهی و دمکرات منشی سازمان، اعلام داشتند که وسیله ایاب و ذهاب تا شهرین مجانی است. با این ترتیب پناهندگانی که در نهایت عسرت مالی به سر میبرند و به هیچ وجه امکان سفر ندارند، با اینکه غالباً به آقا یان هیچگونه سمپاتی ندارند و خیلی ها شان مخالف آنها هستند، برای

استفاده از وسیله سفر مجانی و با زدید از شهرین و با دیدار آقا یان پراکنده در شهرهای مختلف به بن آمده بودند. از طرف دیگر گروه زینا هندگانی که تقاضای پناهندگی داده و هنوز بسا تقاضای آنها موافقت نشده برای تحصیل یک مدرک دادگاه هستند در تظا هرات شرکت کردند که عکس آنها در تظا هرات منعکس با شد و آنرا بعنوان مدرک مخالفت با خمینی به دادگاه ارائه دهند. این امر در کوشش آنها در گرفتن درصوف اولیه و اصرارشان به عکاس ها که از ایشان عکس بگیرند، بخوبی آشکار بود. با این تمهیدات آقا یان موفق شدند جمعیتی در حدود هزار نفر - که البته بعد مدعی چند هزار نفر شدند - گرد آورند در حالیکه کم و بیش همه میداندند که تعداد مجاهدین در شهرین حداکثره ۷۰ نفر - در شهر دوسلدورف حدود ۱۵۰ نفر و در شهر کلن حدود ۱۰۰ نفر بیشتر نیستند. این واقعیت را در روزها می که در دادگاه نشگاه میز میگذرانند همه به راهی العین دیده اند. در این تظا هرات آقا یان سرهنگ معزی که تصور میکنم تنها تظا می سابق واقعی باشد، سخنرانی کرد ولی چنانچه

لباسی شبیه لباس نظام سابق ایران پوشیده بودند. یکی دریا می - یکسای هوا می - یکی زمینی و یک اونیفورم دیگر که نفهمیدم مربوط به چه نیروئی است. پشت سر آنها یک دسته افراد لباسی شبیه نیروی زمینی و یک دسته لباسی شبیه اونیفورم همافران بتن داشتند. بقول یکی از افسران آشنا که آنها را دیده بود، از نحوه حرکت آنها پیدا بود که نظامی نیستند و نقش نظامی را بسازی میکنند. یک گروه هم با روپوش سفید به عنوان پزشک مف کشیده بودند. بقیه افراد لباس معمولی داشتند. پیشاپیش همه عکس بزرگ زوج رهبری قرار داشت.

نکته جالب زیندبازی آقا یان این بود که تعداد فوق العاده زیادی عکسهای کوچکتر زوج رهبری را بصورت پلاکارده تهیه کرده بودند و به دست پناهندگانی که دنبال عکس آنها ختن بعنوان مدرک سیاسی بودند، می دادند. شعاً رزیر عکسها هم به فارسی و آلمانی همه در ستایش آقا یان رجوی و عیال وبسته بودن ناف آنها به نافع ایران بود: "رجوی ایران - ایران (ایران رجوی) - انگار که خداوند عالم سرنوشت این مملکت چند هزار ساله را به تارسیل این آقا زاده و همسرش وابسته است که اگر رجوی و مریم خدای بخوانسته پایشان از میان دربرود ایران هم مضمحل خواهد شد.

آلمانی ها که علاقه خاصی به کارنا وال دارند، به تماشا می ایستادند برای آنها تماشا می بی تفریحی نبود. یک آدمی که ما سک خمینی زده بود، جلوی جمع ادا در می آورد، یک جمعی با لباسهای زرد و آبی سرخ و کاسکت و یک دسته دختر با روسری های سرخ و جمعیتی با عکسهای سرچوب کرده، یک آقا یان سیلوویک خانم روسی بسر حرکت می کردند. فردای تظا هرات با یکی از دوستان آلمانی

که خیرنگار فیلم بردار تلویزیون است در باره پخش خبر تظا هرات آقا یان صحبت می کردم گفت پخش خبر و فیلم تظا هرات برای سازمان مجاهدین خیلی گران تمام شد چون برای هر دقیقه پخش، مبلغ چهل هزار مارک پرداخته اند.

آلمان غربی - یک پناهنده

نامه پی از سوئد

سردبیر محترم قیام ایران، اینجا نب، در باره مطلبی که در شماره ۱۵۶ هفته نامه کیهان چاپ لندن، چاپ شده بود، بموجب مسئولیت سازمان خود، شرحی به نشریه نامه مبرده نوشتم که متأسفانه از درج آن خودداری کردند. لذا با ارسال عین شرح مذکور تمنی دارم نسبت به درج آن در قیام ایران اقدام فرمائید، موجب مزید امتنان خواهد بود. نورمحمد عسکری

سردبیر محترم کیهان،

در شماره ۱۵۶ مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۸۷ صفحه ۹ روزنامه کیهان شرحی به امضای آقا یان پرویز مینوشی - حمیدرضا رضائی - عادل سلیمان درج گردیده بود.

از آنجا که بین اقدام بدون رعایت نظامات سازمانی و بصورت خودسرانه، از سوی نامبردگان صورت گرفته بود، بلافاصله پس از رسیدگی مراتب، برپایه مقررات ناظر بر این نظامات نهضت مقاومت ملی ایران، به مسئولیت و عضویت نامبردگان در نهضت، پایان داده شد.

تمنی است شرح حاضر در نخستین شماره آن روزنامه که به چاپ خواهد رسید، مقرر به درج فرمائید، با سپاس - مسئول شاخه کشوری نهضت مقاومت ملی ایران - نورمحمد عسکری

سوء قصد نا فرجام

به جان مسئول نهضت در انگلستان

بقیه از صفحه ۱

ماء موران پلیس اسکا تلندی رد کبی - درنگ برای با رجویی به بالیسن وی رفتند گزارش دادند که جان وی در خطر نیست.

فرمانده تیپ ضد تروریستی اسکا تلندیارد به روزنامه نگاران گفت این سوء قصد جنبه سیاسی دارد و احتمال آغا زیک سلسله عملیات تروریستی در لندن را از نظر دور نمی داریم.

ساعتی پس از وقوع انفجار رتگهبان انقلاب اسلامی در گفت و گوی تلفنی با خبرنگاری "پرس آوشیشن" مسئولیت انفجار را برعهده گرفتند و تهدید کردند که: ما همه مشروطه طلبان را خواهیم کشت هفته نامه های انگلیسی در شماره های یکشنبه ۱۹ ژوئیه خود هدا دادند که آدمکشان با زگشته اند. آن ها از دولت انگلستان خواستند که اجازه ندهند سلسله سوء قصد های تروریستی سال گذشته پاریس

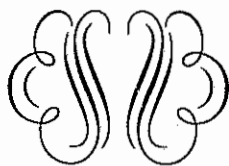
در لندن تکرار شود. خبرنگاری فرانسه در گزارشی که دوشنبه بیستم ژوئیه به سراسر جهان مخابره کرد نوشت: نهضت مقاومت ملی ایران، سازمان مخالف رژیم تهران، که یکی از مسئولان آن در لندن بنا ما میرحسین امیر پرویز شنبه گذشته هدف یک سوء قصد نا فرجام از سوی هواداران رژیم خمینی قرار گرفت، دیروز از دولت انگلستان خواست تا برای حمایت از پناهندگان ایرانی در انگلستان تدا بپیرا منیتی اتخاذ گردد. خبرنگاری فرانسه به نقل از خبرنگاری انگلیسی "پرس آوشیشن" می نویسد: یکی از مسئولان نهضت مقاومت ملی ایران شاخه انگلستان از تا چخواست تا سفارت جمهوری اسلامی و دفاتر شرکت نفت ملی ایران در لندن را تعطیل کند. به گفته نهضت مقاومت ملی ایران این مکانها آسیانه تروریست ها بی ست که مخالفان

سائر روز قیام هیجده تیر

به مناسبت سائر روز قیام ملی هیجده تیر - ماه ۱۳۵۹ گروه کثیری از هموطنان ما در تریس، به دعوت نهضت مقاومت ملی ایران شاخه وین، در محل خانه ایران گردهم آمدند و با دجان با ختن این قیام را کرامی داشتند. مراسم بزرگداشت با نواختن سرود مرز پرگهر آغاز گردید و سپس یکی از اعضای نهضت مقاومت ملی ایران، ضمن اعلام یک دقیقه سکوت، طی سخنانی به تشریح قیام، غلبه و انگیزه های آن و تاء شیرات و نتایج آن در شکل گیری و اوج باسی میسر رزه میهن پرستان علیه رژیم جمهوری اسلامی پرداخت.



رژیم تهران در انگلستان را مورد حمله قرار می دهند. خبرنگاری فرانسه یادآوری می کند که در انگلستان حدود ۳۰ هزار تن ایرانی بصری برند که ۸ هزار تن از آنان پناهندگی سیاسی دارند. خبرنگاری فرانسه به نقل از یک روزنامه نگار ایرانی می نویسد در حال حاضر حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن هوادار خمینی در انگلستان زندگی می کنند که با سفارت جمهوری اسلامی ایران در تماس بوده آماده ارتکاب هرگونه عملیات تروریستی به سود رژیم تهران هستند. به گفته همین روزنامه نگار، شیعیان پاکستان، عراق، عربستان سعودی و بحرین که به دلایل متعدد از رژیم خمینی حمایت می کنند نیز باید به این عسده افزوده شوند.



فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

همانندی عناصر داستان سرایی در داستان های ایرانی و سامی

پرواز کیکاووس و نمرود

نگرنا چه سختی رسید اندران
دگر باره مهبان دشمن شدی
منم بودی اکنون برهمن شدی
این اشتقاها همچنان ادا می یابد
کاووس نیبزی
جوابی جز فرودماندن و تشویر خوردن (= خجالت کشیدن)
ندارد. سرانجام دلبران او را به شهری بریند و بر تخت
خود می نشاندند. اما کاووس چهل روز در پیش یزدان بسته
نیایش پیدا خت و از کردار زشت خود که نتیجه قسریست
ابلیس بودیوش طلبید.
تنها مطلبی بسیار رکوتاه از این داستان باقی مانده
است که آن را در بخش دوم این گفتار یاد می کنیم.

دومین پرواز زمین گونه از سوی نمرود در روزگار
پیا مبری حضرت ابراهیم اتفاق افتاد. داستان های
ابراهیم با نمرود طول و تفصیل بسیار را در بردارند
داستان های عوامانه عربی با خرافات بسیار آمیخته شده
و خود به صورت کتابی در آمده است. بسیاری از آن حوادث
از موضوع بحث ما خارج است. خلاصه آن که نمرود - که در
اصل به معنی مرد نیرومند و بسیار قوی است - پس از آن
که با ابراهیم بسیار ریکوشید، او را به آتش انداخت و
خواست با دود هلاکش کند و نتوانست سرانجام بدو گفت:
من چند بار با تو مجادلت کردم، خواستم که تو را عذاب
کنم تو خود را از عذاب من بیرون آوردی، من با تو
برابر نیکنم، لیکن با خدای تو حرب کشم و بر او بر نیکنم.
اگر تویی گویی که خدای من است من خدای زمینم
و مرا سیاه است و زمین مراست، و اهل زمین قوی تر اند.
من خود بحرب خدای تو روم. ابراهیم برخاست و بیرون
رفت و گفت بس نادان یا فتم تورا.

آنگاه نمرود بفرمود تا بوسی بسا خنجرها رگوشه،
بندهاش از زردا آفرینهای *** او از مرور آید. آنگاه
بفرمود تا چهار رگوش قوی بیا و در نده و هفت شبان روز
ایشان را گرسنه بیا شدند. پس بفرمود تا چهار رگوش
(= حیوان پوست کنده) نیکو از چهار رگوشه تخت
بیا و بیخندند، چوبهای دراز را بکشند، و آن چهار رگوش را
از چهار رگوشه تخت بر بکشند، تا آن که رگوشان بدن را
می نگریستند و آهنگ گوشه می کردند و تا بخت را ببردند
و نمرود با وزیر در تابت بستند و نمرود با تیر و کمان
چون تابت بیهوا بر رفت و آن که رگوشان می پریدند چندان
بر آمدند که چنان به چشم ایشان چون کلوخی می دیدند.
نمرود گفت هنوز ما تده است تا بجایگاه رسیم. باره
دیگر بر آمدند. گفت بنگر تا چه بینی؟ وزیر گفت جهان
چون دودی می بینم نه چرخونه مگر *** نمرود گفت
اکنون به جایگاه رسیدیم تا دستت پیش کشیم تا خدای
ابراهم بر ما حیل نکند. تیر به کمان نهاد و بر انداخت.
هم در ساعت تیر خون آلود با تده بخت در افتاد.

اینجا دوروایت است: کلبی گوید حق تعالی جبریل را
بفرستاد تا آن تیر را بدربار نمرود ببرد و شکمها می در زد تا تیر
خون آلود شد، آنگاه در تابت انداخت. حق تعالی
دانست که گمراه است تا در گمراهی می باشد. و گویند
خود به قدرت خویش خون آلود کرد و در تابت افتاد.
ما می را گناهی نبود که تیر کا فری در شکمها می بکنای
زدی. و گفته اند تیر آن روی به ما می خون آلود کرد
تا کشتن ما می حرا شد و به سبب آن کاردا ما می برخاست.
و بعضی گفته اند تیر با زگشت و بر نمرود در آمد. و آن را
پنهان کرد و پدید نکرد. چون با زامد خلق را دیگر گونه
یا فت. گفت من خدای آسمان را بکشتم.
و در قلمه چنین آمده است که از آن قومیا نصد هزار مرد در دل از
نمرود برگردانیده بودند و به ابراهیم میل کرده بودند.
چون نمرود گفت که من خدای آسمان را بکشتم و تیر
خون آلود بنمود ایسان پنداشتند که راست می گویند و
همه کار شدند.

آن گاه ابراهیم نزدیک نمرود آمد و گفت مسلمان شو که
تومی دانی که آنچه می گوئی می کنی دروغ است.
گفت اگر دروغ می گویم که بحرب آید و نمرود او را نکشتم
و سیا به پیش من نفرستاد، گویند. بگفت بگسرو،
نگر وید. جبریل آمد و گفت یا ابراهیم نمرود را بگوی که
سیاه ساخته کن که خدا و ندمن سیا می فرستد.
ابراهیم نمرود را بگفت. نمرود گفت اگر فرستد هر گونه
که خواهم مرا هست، جبریل آمد و گفت یا ابراهیم بگوی
که ضعیف ترین سیا می فرستد و آن پشه است. نمرود
گفت پشه سیا ها و است؟ گفت آری. گفت سیا می ضعیف
است، باک ندا رم، اکنون بفرمایم تا هر چه پشه است
همه را بکشند. چهل روز برآمد حق سبحا نه و تعالی پشه را
بفرستاد تا او سیا هس همه هلاک شدند.

این داستان را از قصص الانبیاء ابواسحاق نیشابوری
که آن را در غایت اختصار آورده است نقل کردیم، لیکن
هیچ تفسیری از قرآن کریم نیست که به گنا بید و در آن، به
تناسب تفصیل یا اختصار آن تفسیر این داستان را بنویسد.
تا نمرود در قرآن کریم تپا مده است، لیکن همه مفسران
عقیده دارند آن کس که ابراهیم را سوختن فرمود و به
آسمان بر شد و سرانجام میرا ثرنیش پشه ای که در بینی او
رفته بود هلاک گشت، نمرود است. با آن که جزئیات
داستان نمرود در منابع ما نیا مده است، با این حال
بعضی همانندی ها و برخی اختلاف ها میان این دو پرواز
بی پرواز وجود دارد و حال آن که اصل قصه یکی است و آن مدد
گرفتن از برندگان قوی بال و تیز پرواز برای برداشتن

یکی کارماندست کاندرجهان
نشان نهر گزنگردند نهان
چه داردمی آفتاب از تو راز
که چون گرددا ندر نشیب و فراز؟
گونه است ماه و شب و روز چیست
بر این گردنی جرخ با لاریکست؟
دل شاه از آن دیوی راه شد
روانش ز اندیشه کوتاه شد
اگریم کاووس را بدان می خواند که به آسمان بر شود و
را زگردش خورشید و ماه و فراز آمدن شب و روز را بگوید،
و چون در زمین دیگر هیچ کاری نداشته است که هفت
شاهانه با آن بیرون زد، به شراست که به دنباله
با زجستن از سپهر برود. کاووس روزگاری در این
اندیشه می گذرانید و با اخترش را ن به راهی زنیسی
می نشیند:

زدا ننگان بس بپرسید شاه
کز این خاک چندانست تا جرخ ماه
ستاره شمر گفت و خسرو شنید
یکی کزونا خوب چاره گزید
بفرمود پس تا به هنگام خواب
برفتند سوی نشیم عقاب
از آن بجه بسیار برداشتند
به هر خانه ای بر، دو بگذاشتند
همی پرورانیدشان سال و ماه
بمرغ و بگوشه بره چنگاه
جو نیرو گرفتند هر یک جوشی سر
بدان سان که فرم آوردند زیر
ز عود قماری یکی تخت کرد
سردر زها را بزر سخت کرد
به پهلوش بر، نیزه های دراز
ببست و بر آن گونه بر کرد ساز
بیا و بخت از نیزه را ن بهره
ببست اندر اندیشه دل یکسره
از آن بس عقاب دلاور چهار
بیا و بر تخت بست تا ستار
نشست از بر تخت کاووس شاه
که اهریمنش برده بددل ز راه

جوشد گرسنه تیز تر آن عقاب
سوی کوشد کردنده هر یک شتاب
ز روی زمین تخت برداشتند
زها مون با بر اندر افتادند
پایان چنین چاره گزینی "کزونا خوب" مصیبت آمیز
است. عقابان تا جایی که تابت توان داشتند برای
رسیدن به گوشه پرواز زگردند، اما سرانجام
جواب مرغ برنده تیر و نمانند

غمی گشت و پرها به خوی در نشاند
نگونسا رگمتند ز ابر سیاه
کشان بر زمین از هوا تخت شاه
سوی بیشه "شیرچین" آمدند
با مل بروی زمین آمدند
داستان پرواز موقت کاووس به همین جا پایان می یابد.
فردوسی هیچ گزارشی از آنچه کاووس در سفرها می نمود
دید، با از فراز آسمان زمین را چگونه یافت نمی دهد.
فقط می گوید که اگر پروردگار روی را تپا به یگردان بود
که هنوز سیا و شا و در وجود دنیا مده بود و مقدر چنین بود که
این فرزند تیر و مند، اما نگون بخت و نا کام زوی دو وجود
آید.

حالی کاووس از این سفر جز خواری و پشیمانی نبود. به
گفته فردوسی وی خود:
بمانده به پیشه درون زار و خوار
نیایش همی کرد با کردگار
تپایش همی کرد با کردگار

از سوی دیگر رستم و دیگر پهلوانان سیا چون از این
ما جرای چون آ میز خبریافتند، از زهر سوی به جستجوی
شا و ابران بر آمدند. داور پهلوانان در باره روش و
منش کاووس و نیز اشتقا دهایی شدیدی که در برابرش از او
می کنند عبرت آموز خوانندنی است:
همی کرد (= کاووس) پوزش ز بهر گناه
مرا و راهی جست هر سو سپاه
خبر یافت زورستم و گویو و طوس
برفتند با لشکری گشن (= انبوه) و کوس
به رستم چنین گفت گودرز پسر
که تا کرد ما در مرا سیرشیر
همی بینم اندر جهان تاج و تخت
کیان و بزرگان بیدار بخت
جو کاوس نشنیدم اندر جهان
نه دیدم کس از که تران و مهبان
خرد نیست او را، نه دانش نه رای
نه هوش به جای است و نه دل به جای
رسیدند بس پهلوانان بدوی
نکوهش گرو تیز و بر رخاش جوی
بدو گفت گودرز بیما رستان
ترا جای، زیبا ترا ز رستان
به دشمن دهی هر زمان جایی خویش
نگویی به کس بیخده رای خویش
سه یارت چنین رنج سختی فتاد
سرت از ما پیش نگشت استاد
کشیدی سیه را بمان ز ندران

در شماره پیشین قیام ایران در باره همانندی عناصر
داستان های سامی و داستان های ایرانی گفتگویی کلی
داشتیم و سپس یکی از موارد آن را به عنوان نمونه با
خوانندگان گرامی در میان گذاشتیم. این بار نیز یکی
از نمونه های زیبای این همانندی را که مربوط به
داستان های پهلوانی است، می آوریم. در
داستان های پهلوانی که اکنون خواهیم دید، به تیر و روشن تر
نشان داده شده است که چگونه از این عنصر اندیشه و
آرزوی پرواز - به علل و با هدف های گوناگون استفاده
شده است.

کی کاووس، یکی از پادشاهان مقتدر و نامدار، در دوران
حسامی است. وی در اوستا و شاهنامه فردوسی شاه است
تند خوی و آتشین مزاج و دمدمی و گاه بی خرد. اما همین
شخصیت در حماسه بزرگ هندی - مهابهارت - به صورت
برهمنی با قوای روحانی فوق العاده و کامیونیر و های
ماورای طبیعی تصویر شده است. همین صفات کاووس،
موجب پدید آمدن داستان های بسیار رشورا نگیز حماسی
در تاریخ داستان های ایران شده است. رفتن وی به
مازندران و افتادن به بند دیوسپید و کور شدن وی به
چاه دوی آن دیو، هفت خان رستم، جنگ رستم و دیوسپید،
رفتن به ها ماوران و به زنی گرفتن سودا به دختر شاه
ها ماوران که سرانجام منجر به عشق نا فرجام سودا به
برسیا و ش پسر کاووس و کشته شدن آن شاه زاده بی گناه و
نیکو خصال شد، و نیز داستان رستم و سپهراب و جنگ آن دو،
همه در دوران فرمانروایی کی کاووس اتفاق افتاد.
اما این داستان که خلاصه آن را در این گفتار می آوریم
کمتر از دیگر داستان های روزگار کاووس شهرت دارد:
کی کاووس پس از نبرد با تمام سرکشان و شاهان اطراف و
سرانجام با آفراسیاب و پیروززی یافتن بر همه آنان
به سوی پارس با زکشت و بساط داد و بگوشه در گوشه
کشور را به پهلوانی سپرد و لشکری بدو داد تا مملکت را
آبادان و مردم را آسوده بدارند.

ز بس گنج و زیبایی و فرهی
یری و دودا مگشش زهی (= بنده)
جهان پهلوانی به رستم سپرد
همه روزگار بهی زو شمرد
سپس برای نشاط و کامرانی، و نیز از فرودن بر شکوه
سلطنت خویش در آلبرز کوه دستگای گفت بی افکند.
نخست به دیوان بفرمود تا دو خانه در سنگی را بکنند که
طول هر یک به اندازه ده گمندان شود و در آن خانه ها
آخورهای در سنگ برای اسبان و اشتران بپارایند.

دو خانه دگر با بگینه بساخت
ز بر خنده هر جای اندر ناخت (= نشاند)
چنان ساخت جای خرام و خورش
که تن باید از خوردنی پرورش
دو خانه ز بهر سلج نبرد
بفرمود کز نقره خام کرد
یکی کاخ زرین ز بهر نشست
بر آورد و با لاش داده دوشست
نبودی تموز ایچ پیدا زوی
هوا غنیرین بود و بارانش می

با یوانش یا قوت برده به کار
زیروزه کرده ترا و تر، نگار
همه ساله روشن بهاران بسدی
گلان چون رخ گساران بُدی
ز درد و غم و رنج دل دور بود
بدی را تن دیورنج و ریبود
بخواب اندر آمد بد روزگار
ز خوبی و از دایه مسوزگار

اما هیچ گلی بی خار نیست، آسایش و آرامش مردم ما به
در دورنج دیوان شده بود. آنان نمی توانستند آدمیان
را در شاهمانی و شاه دوزاری ببینند. از این روی ابلیس
روزی انجمنی از دیوان برای چاره جویی در دورنج
ایشان فراهم آورد:
به دیوان چنین گفت کاووس روزگار
به رنج و به سختی است با شهریار
یکی دیو باید کنون، نغز دست
که داند ز هر گونه رای و نشست
شود جان کاووس بی ره کند
به دیوان بر، این رنج کوتاه کند
بگرداندش سر زیزدان پاک
فتا ندر آن فریبش خاک
شنیدند و بر دل گرفتند یاد
کس از بیم کاووس با سخندان
یکی دیو زخیم بریای خاست
چنین گفت کین جرب دستی مراست
غلامی بیسار است از خوبیستن *
سخن گوی و شاه یستنه، انجمن
همی بود تا یک زمان شهریار
ز پهلویرون شد ز بهر شکار
بیا مد بر او زمین بسوس داد
یکی دسته گل به کاوس داد
چنین گفت کاین فریبی تو
همی جرخ گردان سزد جای تو
به کام تو شد روی گیتی همه
شمانی و گردنگشان چون رمه





دوشنبه ۱۵ تیر

ها همی رفسنجانی طی سخنانی درسمینار نیروی زمینی درتهران، دوبا ره هشدار داد که گرفتگی های خارجی با پرچم آمریکا درخلیج فارس حرکت کنند، جمهوری اسلامی درحمله به آنها درنگ نخواهد کرد.

سه شنبه ۱۶ تیر

نخست وزیرفرانسه درمباحثه با روزنامه لوموند دربارا اقدام های که فرانسه درنظر دارد درارتباط با ماجرای وحید گرجی بعمل آورد، گفت: اقدام های گوناگون تا قطع روابط دیپلماتیک را درنظر داریم. وی افزود: من معتقدم مذاکره با کسانی که تعهدات و قوا عهد بین المللی را رعایت نمی کنند بی فایده است.

چهارشنبه ۱۷ تیر

محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداری طی مباحثه ای درتلویزیون جمهوری اسلامی اعلام کرد که مدافعین خلیج فارس درآینده نزدیک یک مانورعملیات انتحاری دردریای عمان، تنگه هرمز و خلیج فارس انجام خواهد داد.

پنجشنبه ۱۸ تیر

سخنگوی نخست وئیری فرانسه با ردیگر تا کیدکردما تسلیم باج خواهی نخواهیم شد و وحید گرجی مترجم سفارت جمهوری اسلامی درپاریس با ییدنزدبا پرسس حضوریا بدویه پرسس های وی با سخگوید، وی افزود دولت فرانسه، پاره ای از اعضاء سفارت فرانسه درتهران را تشویق کرده است که به فرانسه بازگردند.

جمعه ۱۹ تیر

ها همی رفسنجانی اعلام کرد جمهوری اسلامی درنظر ندارد روابط سیاسی خود را با فرانسه با انگلستان قطع کند، مگر آنکه این کشورها دراین راه پیشقدم شوند. وی که پس از پایان جلسه شورای عالی دفاع سخن می گفت افزود: ما نمی خواهیم مسأله را پیچیده ترکنیم ولی جمهوری اسلامی درقطع روابط با کشورهای امیریا لیستی چیزی از دست نخواهد داد. وی گفت، دراعمال نمایندگان فرانسه نمونه های متعددی ازکارهای خلاف مقررات سیاسی از جمله جاسوسی، قاچاق و تماس با مخالفان رژیم اسلامی وجود دارد و جمهوری اسلامی همیشه مایل بوده است که حضورسیاسی کشورهای استعمارگر را در ایران به حداقل کاهش دهد.

شنبه ۲۰ تیر

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، هواپیما های عراقی، اطراف سردشت واقع درکردستان ایران را بمباران کردند که در نتیجه تعداد زیادی از اهالی غیرنظامی کشته یا زخمی شدند، هواپیما های عراقی درروز ۷ تیرماه گذشته نیز سردشت را با سلاح های شیمیایی مورد حمله قرار دادند که ۶۰ کشته و تعداد زیادی مجروح بجا نهاد.

یکشنبه ۲۱ تیر

جمدان یک دیپلمات جمهوری اسلامی بنام محسن امین زاده دربخش فرانسوی گمرک فرودگاه ژنوموردبا زرسی قرار گرفت، دراین باره زرسی مداریک محرمانه و رسوا کننده ای دربارا ره رژیم خمینی بدست آمد. عکس برداری ما، مورا ناژا بین مداریک با عتصبا نیت دیپلمات جمهوری اسلامی و ایجا دجنجال درفرودگاه ژنومورد گردید.

دوشنبه ۲۲ تیر

آندره ژیرو وزیردفاع فرانسه، امروز اعلام کرد که یک کشتی باری فرانسوی به نام ویل دان روس که از کویوت رهسپار بحرین بود، نیمه شب گذشته هدف ناوچه های ناشناس درخلیج فارس قرار گرفت و توسط آتشبارها و مسلسل ها به گلوله بسته شد. وزیردفاع فرانسه افزود فکر نمی کند این حمله به کشتی با ریس - تهران برسر سفارت خانه های ریبطی داشته باشد، ولی نمی توان این احتمال را کاملاً نظر دور داشت.

سه شنبه ۲۳ تیر

ساعاتی پس از مباحثه تلویزیونی فرانسوا میتران که تا کید کرده بود از نظر مقامات قضائی فرانسه و وحید گرجی در

را بطه با سوء قصد های یا شیز گذشته پا ریس درمظان اتهام است و با یسد مورد با زجوتی قرار گیرد، دادستان دادگاه انقلاب اسلامی تهران، کنسول فرانسه درایران، ژان پل توری را به اتهام جاسوسی، کمک به ضد انقلابیون فراری و شرکت در شبکه های قاچاق مواد مخدر، از رزوعتیقه جات به دادگاه انقلاب احضار کرد. درهمین حال وزارت خارجه فرانسه در بیانییه ای، اتهامات وارد علیه ژان پل توری را رد کرد و اعلام داشت که جمهوری اسلامی درصدا بجاد وجهت شائبه مصنوعی در روابط با قضیه وحید گرجی است.

چهارشنبه ۲۴ تیر

محسن امین زاده دیپلمات جمهوری اسلامی که در فرودگاه ژنومورد ضرب و شتم پلیس دربخش فرانسوی فرودگاه ژنومورد را گرفته بود، شب گذشته با یک هواپیما ی ایران از ژنومورد به سوی تهران ترک گفت، امین زاده در فرودگاه پرووی برانکار حالت بیمه رگونه یی داشت و دچار لرزه های تشنج بود، اما پزشکان بیمه رستان اظهار داشتند که دیپلمات خمینی کمدی با زی می کند، زیرا در بیمه رستان حالش خوب بود.

پنجشنبه ۲۵ تیر

پلیس فرانسه مانع خروج ۱۱۳ ایرانی از خاک فرانسه شد. این سیزده تن از جمله ۳ دیپلمات سفارت جمهوری اسلامی می خواستند از مرز زمینی از خاک فرانسه خارج شوند ولی پلیس مانع خروج آنها شد. پلیس این عده را به پاریس بازگرداند.

جمعه ۲۶ تیر

بدنبال تهدید رژیم خمینی مبنی بر قطع روابط با فرانسه در صورت ادامه محاصره سفارت خانه ها در پاریس، دولت فرانسه عملیات محاصره سفارت جمهوری اسلامی را پیش از پیش گسترش داد، به گزارش خبرگزاری فرانسه از نیمه شب، توموبیل های متعدد پلیس با تجهیزات قابل ملاحظه و نورافکن های قوی محاصره سفارت خانه جمهوری اسلامی را تحکیم کرد و سرانسر خیابان "ینا" و کویچه های مجاور را بررفت و آمدموسایل نقلیه بست و نزدیک شدن مراجع کنندگان را به سفارت خانه ها ممنوع کرد. به رغم ولتیم ۲۲ تا عتسه رژیم تهران، تغییر درآم موربست پلیس بوجود نیامده و آنها کماکان دستور دادند وحید گرجی را برای بازجوئشی تحویل مقامات قضائی دهند. ساعت سیزده امروز دولت فرانسه پیش دستی کرد و روابط با رژیم جمهوری اسلامی

قطع کرد و دیپلمات های جمهوری اسلامی ۵ روز مهلت داد که خاک این کشور را ترک کنند. شش ساعت پس از صدور اعلامیه رسمی وزارت خارجه فرانسه، رژیم تهران، بدون اشاره به تصمیم پاریس اعلام کرد روابط خود را با فرانسه قطع می کند.

شنبه ۲۷ تیر

علی اکبر محتشمی وزیر کشور جمهوری اسلامی دیروز تمام اعضای سفارت فرانسه در تهران را به جاسوسی متهم کرد و اعلام کرد پلیس، سفارت فرانسه را در محاصره گرفته است تا دیپلمات های فرانسوی را بازداشت کند و آنها را تحویل دادگاه دهد.

وی افزود رژیم تهران اجازه نخواهد داد که یک عده زیر پوشش دیپلماتیک به عملیات جاسوسی و جاسوس گردست بزنند.

یکشنبه ۲۸ تیر

وزیر خارجه فرانسه در یک مباحثه تلویزیونی اعلام کرد که دولت فرانسه دربارا ره وحید گرجی مذاکره نخواهد کرد و نامبرده باید از ما "در برابر دادسرای پاریس بیرون من سوء قصد های تئوریستی یا شیز گذشته فرانسه مورد بازجوئی قرار گیرد.

در همین حال به گفته میر حسین موسوی، جمهوری اسلامی از پاکستان تقاضا کرده است که حافظ منافع ایران در فرانسه باشد.

سید علی خامنه ای طی سخنانی در تبریز، طرح شورای امنیت دربارا ره ختم جنگ ایران و عراق را رد کرد. وی با ردیگر ناوگان جنگی آمریکا را تهدید کرد که چنانچه او را درخلیج فارس شوتند، در تیررس نیروهای رژیم اسلامی قرار خواهد گرفت.

دوشنبه ۲۹ تیر

۱۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تصویب نهائی طرح ۵ عضدائی شورای امنیت دربارا ره پان دادن به جنگ ایران و عراق تشکیل جلسه دادند.

شیخ سعد آل عبداللہ السالم لصباح ولیعهد ونخست وزیر کویت اعلام کرد که کویت به هرگونه حمله جمهوری اسلامی علیه نفتکش های کویتی یا خارجی در آب های ساحلی کویت به فوریت پاسخ خواهد داد. وی دربارا ره احتمال حمله جمهوری اسلامی به یکی از ایازده نفتکش کویتی که زیر پرچم آمریکا قرار خواهد گرفت گفت: تردید ندارد که آمریکا ایها از پرچم شان دفاع خواهد کرد.

همانندی عناصر داستان سرایی در داستان های ایرانی و سامی

پرواز کیکاووس و نمرود

آدمی به آسمان است، مسافر هوایی نیز بر تختی (کی کاووس) یا در تابوتی (تابوت دراصل به معنی جعبه و محفظه است) می نشیند و مرغان به بوی (= به آرزوی) رسیدن به طعمه به پرواز می آیند و چون هرگز بدان نمی رسند، تخت یا تابوت را با مسافریا مسافران برمی دارند و به آسمان می برند. درزهای هردو وسیله پرواز را به زرسخت کرده اند. اما تابوت نمرود را ای طارمی های مروارید نشان است. پرنده گان در داستان کی کاووس عقاب - مرغ شکاری - و در قصه پرواز نمرود، کرکس، مرغ مردار خوار انتخاب شده است. کاووس خود به تنهایی به آسمان می رود، اما نمرود وزیر خویش را نیز با خود برمی دارد. نیز در قصه نمرود گفته شده است که وی بارها از وزیر بر سر زمین را در زیر پای خویش چگونه می بیند و گویی در انتظار آن بود که به ارتفاع خاصی برسد و در آن جا جنگ با خدای ابراهیم را آغاز کند، اما کاووس بنا بر آنچه از آغا زداستان، و ما جرای فریخته شدن او به آفسون ابلیس برمی آید، برای گشودن را از سپهر بدین سفر رفت. با این حال، حکیم طوس پس از شرح بر فلک رفتن کاووس فرماید: شنیدم که کاووس شد بر فلک همی رفت تا برسد بر ملک دگر گفت از آن رفت بر آسمان که تا جنگ سازد بتیر و کمان ز هر گونه ای هست آواز این ندا ندب جزیر خرد را ز این بریدند بسیار رومانند باز چنین باشد آنکس که گیردش از ناله را "مطلبی از نوع جنگ ساختن" کاووس به تیر و کمان، تحت تأثیر افسانه نمرود در داستان کاووس راه

یافته و اصلتی ندارد. اما اختلاف های بسیار مهم تردر این دودستان وجود دارد: نتیجه سفر کاووس بسیار درست تر، و بیشتر موافق عقل و استدلال است، یعنی عقاب ها برای رسیدن به طعمه خویش چندان که می توانند پرواز می کنند تا جایی که پروا نشان از کار می افتد و تختر کاووس و زگون می شود. بهانه کشته شدن او نیز این است که مقدر بوده است سیاه و شازا و در وجود آید. در سفر نمرود، نشانی از سقوط نیست، او به آسمان می رود و با زمی گردد چنان که گویی اختیار صعود و نزول کرکس در دست اوست و مرغان به فرمان وی هستند. در تفسیرهایی که داستان را بشرح تریا ز گفته اند، فرود آمدن نمرود چنین توجیه شده است که وی در هنگام برخاستن به آسمان طعمه کرکس را به میله یا نیزه ای بر بالای سرایشان آویخت و چون آهنگ فرود آمدن کرد وزیر را گفت تا نیزه ها را و زگون کند و طعمه ها را در زیر پای کرکس قرار دهد. بدین ترتیب مرغان آسمان فرود آمدند. گذشته از این نتیجه ای که حکیم طوس از داستان پرواز کاووس می گیرد بسیار معقول و طبیعی است. کاووس در کار خود شکست خورده و از بلند پروازی خویش پشیمان شده و به درگاه وایزده نیایش ایستاده و عذرگنا هسان خویش را می خواهد: چهل روز بریش یزدان به یای بیمود خاک و بپرداخت جای همی ریخت از دیدگان آب زرد همی از جهان آفرین یاد کرد ز شرم از در کاخ بیرون نرفت همی پوست گفتمی بر او بر، بگفت (= پاره شد)

پشیمان شد و در دگر بگردید و رنج نهاد به خشد بسیار رکنج... همی رخ بمالید بر تیره خاک نیایش کنان پیش یزدان پاک جو بگذشت یک چند گریان چنین بخشود بروی جهان آفرین یکی داد و نوساخت اندر جهان که تا بنده شد بر کبان و مهبان... نتیجه ای که نمرود از پرواز خویش می گیرد کما ملا به عکس این است، گفته اند که آوا ز آسمان تیری خون آلود باز آورد، و در قصه چنین آمده است که آوا ز آسمان قوم (= قوم نمرود) پا نصد هزار مرد دل از نمرود برگردانیده بودند و به ابراهیم میل کرده بودند. چون نمرود گفت که من خدای آسمان را بکشتم، و تیری خون آلود بنمود، ایشان بنده شدند که راست می گوید و همه کافر شدند. در داستان های ادبی یا عوامانه، بسیاری راه های خیالی دیگر نیز برای پرواز آوا ز آسمان یافته شده است. نویسنده این سطور در گفتاری مقلد کوشیده است تا این راه ها را بررسی کند. این گفتار در مجله "ایران نامه" چاپ و اشینگتن در زیر عنوان "بویه پرواز" انتشار یافته است.

یعنی خود را به صورت نوجوانی بر آراست. معنی اصلی غلام، پسرانی است که در سال های نوجوانی و جوانی با شد و جمع آن غلمان است. دارا قزین: تکیه گاه، طارمی *** خنجر به دوفتح: سنگ، مکر به فتح اول و دوم: کلوخ و نیزه و روستا را گویند.



دکتر محمد مصدق در دادگاه تجدید نظر نظامی

در شما ره‌های گذشته قسمتی از مدافعات مصدق را از کتاب بزرگمهر نقل کردیم. اکنون به قسمت‌های دیگری از مدافعات وی در جلسات نوزدهم به بعد می‌پردازیم.

از جلسه نوزدهم

دکتر مصدق: بنده هم تشکرات خود را عرض کنم و ملتزم می‌شوم تا هنا مه‌فردوسی را نخواهم نمود. نمی‌دانم از کجا شروع کنم؟ از قاضی روزنهم سفندحرف بزنم؟ از علمای نه‌سفند صحبت کنم؟ از شب ۲۵ مرداد بگویم؟ از روز ۲۸ مرداد صحبت کنم؟ من نمی‌دانم که هر چه عرض کنم موجب طلال هموطنان است. سرتیپ آزموه‌در دادگاه قبلی...

رئیس: دادستان بگوئید این عقیده‌ها را (دکتر مصدق: اطاعت می‌کنم) تذکره‌ام که اطاعت آقا از دست‌سور اینجانب به حکم قانون است و صحیح است نه به حکم جبر (دکتر مصدق: اطاعت تیمسار محترم! با بسند اورا دادستان گفت).

دکتر مصدق: تیمسار محترم دادستان محترم، خوب شد؟ در دادگاه قبلی و این دادگاه خواست ثابت کند که من می‌خواستم سلطنت مشروطه را به جمهوری دموکراتیک تبدیل کنم ولی نتوانست چون حرفهای او و منطق نداشت و بواسطه تکرار هم مبتدل و بی‌اثر شده بود. لذا در این باب عرض نمی‌کنم. اگر به شما در این محترم ثابت شده باشد که با مقدمات تشکیل شورای سلطنتی که آن را هم برای من جرمی دانسته و در کفیر خواست و ارد کرده است من خواهان جمهوری دموکراتیک هم بوده‌ام. مرا مشمول ماده ۳۱۷ قانون دادرسی ارتش بدانید و هر حکمی که می‌خواهید در برابر من صادر کنید. اما زنده بفرمایید بنشینم - (و نشست) ولی اگر جمله شرطی است اعتراض نکنید - می‌دانید که این اتهامات نظرًا منتفأ می‌گردد است آن را قبول نکنید و بی‌غرضی خود را ثابت نمائید.

(دکتر مصدق: با اشاره به بلندگو) این را هم با این بیاریه‌ها صاف درست بردم. من از صدور حکم کیفری حتی اعدایم بیم و هراس نداشتم. صدور حکم اعدام مانع قانونی نداشت و اشخاص بیش از ۶۰ سال را هم می‌توانستند اعدام کنند. برایم گوارا تر بود چونکه برای من لذتی نیست که در زندان مجرم بمانم و به واسطه وضعیت ناکوار و مجبور شوم خود را انتحار نمایم.

تیمسار محترم (فرمودید) سرتیپ آزموه گفته که من کودتا کرده‌ام. اگر مقصودا و کودتای به معنی اعم است منکر نیستم چون که دست‌خارجی را از مداخله در امور این کشور کونتا کرده‌ام و استعمارگران را از این مملکت رانده‌ام. ولی اگر مراد کودتای به معنی اخص است یعنی می‌خواستم سلطنت مشروطه را به جمهوری دموکراتیک تبدیل کنم آن را تکذیب می‌نمایم چون هر کودتایی بدون دلیل ممکن نیست. آیا در ارتش یا شهربانی افسری هست بگوئید که من یا یکی از همکارانم با آنها مواضعی داشته‌ایم؟

اصل قضیه این است که خارجی می‌خواست مقام ازدست رفته خود را مجدداً در این مملکت برقرار کند و چون قریب دو قرن در این کشور ریشه‌ها انداخته بود و عمالی برای انجام مقاصد خود داشت این بود که اول وقایع ۹ اسفند را پیش آورد، چون به نتیجه نرسید گفتند که بلبل از قفس فرار کرد. پس از آن دست‌خط اعلیحضرت شاهنشاهی راجع به عزل من صادر شد. چون برخلاف قانون اساسی و صلاح مملکت بود نتیجه نبخشیدند و قاضی روز ۲۸ مرداد روی داد و افسرانی روی اصل اطاعت از ما فوق خانه‌ها را بمباران کردند و هر چه را داشتند بردند و اشیاء عادی را هم برای غارتگری که از گودالهای جنوب شهر تهران جمع آوری شده بودند گذاشتند و هیچ‌کس قبول نمی‌کرد ملتی که قریب دو قرن در سیاست این مملکت ریشه‌ها داشته، دست‌ازکار بگذارد و منافع خود صرف‌نظر کند و برای وضعیت ازدست رفته خود اقدام ننماید و از هر دولتی که روی کار بیاید یکی از چیزهایی که ازدست داده است نگیرد؟ چنانچه دولت اینجانب استعفاء می‌نمود و چنانچه در رفع خود دولت معرکه و جنگال نمی‌شد دیگر همدی باقی نمی‌ماند که نهضت ملی ایران آن را دنبال کند آن وقت می‌گفتند همدی بود غیر عملی و دولت رهبر نهضت ملی چون دید که بل اجرا نیست استعفاء کرد. این بود که من حاضر شدم منافع خود را به منافع ملت ترجیح دهم و دست‌خط شاهنشاهی را که برخلاف قانون اساسی و صلاح مملکت ما در شده بود اجرا کنم و عقیده‌ها شتم که مصالح مملکت بر اجرای فرمان مقدم است. اگر مملکتی باشد از آموستقل شاه بزرگ مملکت مستقل سلطنت می‌کند و چنانچه مملکتی باشد صورتاً "مستقل" چه افتخار برای پادشاهی است که در یک چنین کشوری سلطنت کند؟

روز ۲۸ مرداد من می‌خواستم در خانه‌ها نم‌وهمانجا کشته شوم ولی همکارانم گذاشتند چنانچه کشته شده بودیم علمای ۱۹ سفند بریزه‌ها را نمازمی گذاشتند و دولت همه‌ها را بنام آن که شهید شده بودیم مجلس تذکری برپا می‌کرد و غالباً به این طریق خاتمه می‌یافت، و تا ملت با زهریانی پیدا کند یا این عقیده مدتی می‌گذشت و نقشه‌هایی ترسیم می‌شد که با ایران قرن‌در اسارت بماند.

اکنون می‌بینم چه خوب شده که قول "تیمسار سرتیپ دادستان" از زردبان چهل پله بالا رفتم و در این محاکمه مطالبی روشن شده‌اند که از زمان پادشاهی ۱۸ هم‌کامی موافقت این دولت به مجلس رفته‌اند از نهضت ملی ایران دفاع می‌نمایند. (۱)

آری ایرانیان ذاتاً "وطن پرستند" (با حالت گریه) و به هر وسیله‌ای خواهند راهی پیدا کنند که به وطن خود خدمت نمایند. میداورم که مردان خیرخواه و وطن پرست از فداکاری می‌توانند و به دنیا شایسته باشند که غرقا ببدبختی و مذلت درآوردند و به دنیا شایسته باشند که ملت ایران تن به استعمار نخواهد داد و می‌کوشد که مقام تاریخی خود را مجدداً به دست آورد و خود را در ردیف دول آزادمستقل دنیا قرار دهد.

اکنون در جواب نامه سرکارا سرهنگ هوشیار مختصری عرض می‌کنم سپس به جواب بیانات سرتیپ آزموه "تیمسار سرتیپ دادستان" که در جلسات عده‌ها دادگاه اظهار نموده می‌پردازم.

مقارن ورود هیئت نمایندگان ایران در لاهه خبری درج‌راید آنجا منتشر گردید که در آنجا آقای امام جمعه تهرانی و سنا تورفعلی اظهار نمودند که دکتر مصدق چه بی‌باور و داده‌گرا باشد را مقتول کنند. این خبر برای این منتشر شد که بفرمانند آن کسی که در راه س هیئت نمایندگان ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری واقع شده خود مجرم و هر چه بگوئید بی‌ارزش است ولی قضات دیوان چون از تبلیغات ناروای شرکت سابق مطلع و بی‌غرض بودند در آنجا به هیچ وجه شرکت در این اقدام را نداشتند. من این خبر را برای اینکسها بدانند تا کجا حاضرند تبلیغات ناروای بکنند و چطور اشخاص را بدست می‌آورند که به‌خدا دین مملکت توهین کنند و تا سزا بگیرند - در همین دادگاه به من توهین و ناسزا گفتند در آن دادگاه ه نقل کردم و بنی اللہ ضارب همان را در جرایم روز و خوانده‌ها می‌دانم که به من نوشته است. چون در دادگاه قبلی این مذاکرات شده بودند ما او را هم در این دادگاه خواندم و تسلیم دفتر دادگاه نمودم و در تمام این مدت که در حبس مجرم بوده‌ام ناسزا بر آنکه زنده‌ام است دیده‌ام نه با سرکارا سرهنگ هوشیار رسا بقده‌ام و نه تاکنون ایشان را دیده‌ام. نامم ایشان در دادگاه خوانده شد مردم خود را با هم از آن اطلاع حاصل کرده‌اند. اکنون سرکارا سرهنگ هوشیار می‌توانند و را تعقیب کنند و او هم که نوشته است در هر دادگاهی حاضر است از خود دفاع کند.

و اما اینکه من گفته‌ام دولت ایران دولتی است صورتاً مستقل و سرتیپ آزموه - تیمسار دادستان محترم - گفت "مرگ مصدق" عرض می‌کنم ملتی که نداند نمی‌داند از اینست در جهل مرکب است. البته عمل خارجی را نمی‌شود که ملت بدانند از اینست و می‌خواهند همیشه در جهل بمانند تا از اینست برای ایشان واقع شود. ملتی که نداند از اینست برای آزادی و استقلال خود تلاش نمی‌کند و همیشه مجری او را بیگانگان است. آزادی ملت به حرف نیست. ملت معنی استقلال آن است که راجع به مصالح و صواب خود هر تصمیمی که خواهد گرفت اتخاذ نماید.

۶۶ نفر از نمایندگان و اجدا اکثریت در مجلس ۱۷ در صلاح مملکت استعفا دادند تا مجلس نتواند به‌دعای بعضی نمایندگان راجع به اینکه به متهمین قتل مرحوم سرلشکرا قشورطوس در زندان زجر دادند دولت رهبر نهضت ملی را استیضاح و ساقط کند.

در ساعت ۱۰ و سه ربع تنفس اعلام شد و در ساعت ۱۱ مجدداً جلسه تشکیل گردید و رئیس دادگاه به آقای دکتر مصدق تکلیف کرد دفاع خود را دنبال نماید.

دکتر مصدق: قبل از اینکه دنباله عرایض خود را بگویم، چون شما گفتید بگویم دادستان محترم، با وجودی که شخصاً "عقیده‌ناشتم" اطاعت کردم، ولی چون فرمودید ناچارم. حالا هم چون با صلاحیت دادگاه مخالف هستم می‌خواهم ببینم می‌توانم تقاضای فرجام کنم. بکنم، بکنم، نکنم، نکنم. البته مر با شماست و کاری نکنید که من بخل و شرم‌ناز شوم.

رئیس دادگاه: پس از آنکه رای دادگاه صادر و بلاغ گردید آقایان متهمین و دادستان ارتش نسبت به رای ما در هر طبقه قانون دادرسی و کفیر ارتش از آند هر قسم میل دارند عمل کنند.

دکتر مصدق: بسیار خوب تشکر می‌کنم، بسیار خوب (سپس شروع به ادا مه‌بقیه دفاعیات خود نمود) عده زیادی از این ۵۶ نفر در بسیاری از اوقات رتقینتیسه نمایند مجلس بوده‌اند که به جرم این استعفا دولت آنها را در این انتخابات دوره ۱۸ با یکوت نمود و در هیچ‌کجا حتی یک نفر از آنها را نلی‌هم انتخاب نشد. آیا این بهترین دلیل برای عدم آزادی ملت و دخالت دولت در انتخابات دوره ۱۸ نیست؟ آزادی ملتی که نتواند کسری از آن را نمایندگانی را که در مصالح مملکت استعفا دادند انتخاب کند از آداست؟ همانطور که یک فردی از افراد اگر بی‌معایب خود نبرد و برای اصلاح خود نکوشد هیچ وقت معایب او رفع نمی‌شود ملت هم که اجتماع افراد است اگر بی‌معایب خود نبرد و تشخیص نداد که از آند نیست هیچ وقت روی آزادی را نخواهد دید. ملت اگر در انتخابات خود دخالت نکند و از مشروطیت ما هم قرونی بگذرد نخواهد توانست و کلابی که خادم مملکت باشد خود را رفع خود پیروی از سیاست بیگانگان کند انتخاب کند. (۲) ملت با دیدن قدر انتخاب کند تا بتوانند کسری که شایسته خدمتگزاری کشورند به مجلس روانه کنند. ملت اگر از آند بود - تیمسار دادستان و امثال او نمی‌توانستند خادم پیرو مملکت را دستگیر و در دادگاه منظر می‌محاکمه و محکوم کنند.

این محاکمه به دنیا شایسته نبود که ملت ایران آن قدر در فشار است که حتی نمی‌توانند یک کلام هم راجع به صلاح مملکت اظهار کنند و فقط به این قناعت کرده‌است که روبه خدا برود و سیل اشک از چشمان خود جاری نماید.

ریاست محترم دادگاه، تیمسار دادستان ارتش در آن دادگاه و در این دادگاه بکرات اظهار نمودند که کسری مصدق ملت ایران را اغفال کرده‌است. آیا چنین حرفی توهین به ملت شرافتمند ایران نیست؟ دکتر مصدق در یک عمر سیاست خود آنچه گفته‌اند آنچه کرده به صلاح ملت

ایران بوده است. من دروغ نمی‌گویم (با بغض در گلو) من شنیده‌ام که مردم این شهر برای گرفتاری من و همکارانم متاء شرنده. اگر دروغ است شما از این کسانی که اکنون در دادگاه هستند استوار کنید... ببینید راست می‌گویم یا خلاف؟ بسیار نا شایسته است که یک دادستانی که با پدر منافع مملکت صحبت کند و یک دادستانی که می‌گوید صدای ایران آن وقت این صدای ایران چنین اظهاراتی بکند؟ آیا این صلاح مملکت است؟ آیا چنین مردی ولو اینکه نصیحت‌نا نونی برخلاف دادستانی او نبوده‌است است که در یک چنین دادگاهی از ملت ایران دفاع کند؟ اینها یک مظالمی است که شما تیمسار محترم شما افسرانی که با بسند همیشه از کشور ایران و از وطن عزیزمان دفاع کنید به آن توجه داشته‌باشید. من از این عرایض هیچ مقصودی ندارم من نه از حکم دادگاه می‌ترسم و نه از حرفهای این دادستان هراسی دارم. من از این خبر برای این منتشر شد که ایران شربت شهادت بنوشم. اگر چنین عرایض می‌کنم برای این است که شما افسران ارتش این مملکت در دنیا شرافتمند جلوه کنید. من شنیده‌ام که یک عده از همین افسران می‌روند به آمریکا. آیا این افسران می‌توانند بگویند که ما افسرانی بودیم که در یک دادگاهی که ما را مملکت را محکوم نمودیم بخدا نه، والله نه. بخدا اگر این افسران بروند به آمریکا و چنین حرفی بزنند دنیا خواهد گفت که هنوز ملت ایران در راه رشد ملی نیست که چنین افسرانی را داشت. شما آقای رئیس دادگاه شما یک عمر در ارتش ایران بوده‌اید نمی‌دانم چند سال دارید؟ اگر بگویم ۷۰ سال بدان می‌آید (خنسده حاضرین) عرض می‌کنم شما افسران و شما وطن پرستان، شما کسانی که به دنیا پندگی ارتش ایران به آمریکا می‌روید، طوری بکنید که در آمریکا مورد احترام جامعه آمریکا واقع شوید. (۳)

ملت اگر از آند بود سرتیپ آزموه و امثال او نمی‌توانستند به سمت دادستانی حرفهای بزنند که صدر صدها ضرر مملکت است. آری ملت صورتاً "مستقل" است، نه می‌توانند انتخابت دخالت کنند و نه می‌توانند کوچکترین اختیاری از اوضاع بنمایند. ملت صورتاً "مستقل" است که هر تصمیمی در باره او اتخاذ کنند سکوت اختیار نکنند و از ترس حبس و تبعید و ترسیدن سر بریدن گوش و داغ بر پیشانی که در این ایام معمول شده اظهار نکنند. (۴)

پیوست جلسه نوزدهم دادگاه تجدید نظر نظامی

نطق مهندس کاظم جفرودی راجع به مبارزات سه ساله ملت ایران صفحه ۲ روزنامه کیهان شماره ۲۲۶۶ سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۳

در این موقع که می‌خواهم برای اولین بار شروع به سخن کنم بنده از طرف زعمای قوم توصیه شد که در اول حرفه سیاسی خود در مجلس شورای ملی صحبتی نکنم. البته نصیحت بسیار رعایت‌ناست و بدولی متاء سفاهت عمیر نما بیندگی خیلی کوتاه است. ایران هم احتیاج به فداکاری و مبارزه زیادی دارد. اگر ما که به هراسم و رسم در خانه مردم جمع شده ایم نخواهیم زساعت اول وظیفه خود را انجام دهیم، ممکن است فرصت ازدست رفته، روزی سرافکننده بیرون رویم. من که برای فداکاری در راه حفظ قانون اساسی و حفظ حقوق ایران با به‌خانه ملت گذاشته‌ام فرصت ازدست نمی‌دهم. عرض امروز قسمتی مربوط به داننگاه است که با بیاناتی که در این مورد شده احتیاجی نمی‌بینم در این باره سخن گویم. قسمت دوم عرایض مربوط به بیاناتی است که در جلسه گذشته مجلس شورای ملی راجع به فداکاری ملت ایران شد.

نهضت ملت ایران: آقایان محترم همیشه با پدر مردم و نهضت آنان را از مجریان و نمایانان و رهبران تفکیک کرد چون مردم خطا نمی‌کنند ولی مجری ممکن است از نظر تا کتیک گاهی دچار اشتباهی شده و خطا کند. بیاناتی که در جلسه گذشته شدد در باره مبارزات نهضت ملت ایران اگر اظهار نظری از طرف مجلس شورای ملی نشود به نظر من خطر دیگری مجدداً ممکن است به بار آورد.

آقایان: نهضت ملی ایران متعلق به مصدق السلطنه و با عموزید نیست (عده‌ای از نمایندگان صحیح است) نهضت ملی ایران در سایه سالها فداکاری پیدا شده، نهضت ملی ایران ریشه‌ها را است. ذکر این مطلب که نهضت ملی ایران متعلق به یک دسته‌ای هست خطاست و نهضت ملت ایران در نتیجه سالها بدبختی و رنج و مصائب ملت ایران پیش آمد و قضا آن قدر بود تا رستاخیز برای ملت ایران پیش آمد و ایادی و کسانسی بودند که از این نهضت و از این فرصت استفاده کردند (خلعت بری: بفرمایید نهضت مقدس ملت ایران ۱۰۰۰) (۵) صلاح ایران است که فداکاری او را (۶) در راه نهضت ملی ایران... با ید تفکیک کرد زیرا نهضت متعلق به ملت ایران است و بنا بر این نهضت ملی ایران در بنیانش... تشنج شایسته‌ای ز گفته‌های مخالفان بین الاثنین ناطق را مرعوب نکرد و خطاب به نمایندگان اظهار داشت) من خود سردستم و ساکت می‌ایستم و اگر آقایان اجازه می‌دهند من بیانات را تمام کنم قسمتی که متعلق به ملت ایران است... و تشنج آنها را با ید تفکیک کرد (بین الاثنین... و تشنج) (آقای جفرودی مجدداً گفت): آقای دکتر مصدق در تمام محاکم بین المللی به نام ملت ایران قاتح شدند و حق ایران را ثابت کردند و با ید مصدق السلطنه را تایید کرد (همه، فریاد، اعتراض به نطق... و تشنج رئیس... جنرال بی‌پایان - تذکرات رئیس... و تشنج نمایانان) (۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱) (۱۲) (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸) (۱۹) (۲۰) (۲۱) (۲۲) (۲۳) (۲۴) (۲۵) (۲۶) (۲۷) (۲۸) (۲۹) (۳۰) (۳۱) (۳۲) (۳۳) (۳۴) (۳۵) (۳۶) (۳۷) (۳۸) (۳۹) (۴۰) (۴۱) (۴۲) (۴۳) (۴۴) (۴۵) (۴۶) (۴۷) (۴۸) (۴۹) (۵۰) (۵۱) (۵۲) (۵۳) (۵۴) (۵۵) (۵۶) (۵۷) (۵۸) (۵۹) (۶۰) (۶۱) (۶۲) (۶۳) (۶۴) (۶۵) (۶۶) (۶۷) (۶۸) (۶۹) (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳) (۷۴) (۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸) (۷۹) (۸۰) (۸۱) (۸۲) (۸۳) (۸۴) (۸۵) (۸۶) (۸۷) (۸۸) (۸۹) (۹۰) (۹۱) (۹۲) (۹۳) (۹۴) (۹۵) (۹۶) (۹۷) (۹۸) (۹۹) (۱۰۰)

ایران را در مجامع بین المللی فاتح کرد و مورد تأیید ما بوده (تیمورتاش : در زمان خودش) در هر موقع که این عمل بشود بر این دوره سه ساله ای که متعلق به مردم ایران است به هیچ وجه شایسته به ادوار منحوس تاریخ ما ندارد (... جنجال ، همه هم ... فریاد دهنده ای تاریخ ایران موجب افتخار است چرا توهین می کنید ... پس از بیان جنجال) دوره جنگ زدوره منحوس است ، جنگ زدوره سیاهی است . در هر دوره هم کارهای خوب می شود آن قسمت که مربوط به نهضت مقدس ملت ایران است و در هر عهد و زمان با شدم همیشه مقدس است و تمام طبقات با پدید آمدن آستان از این نهضت پیروی کنند (۷) .

از جلسه بیستم

دکتر مصدق : ریاست محترم دادگاه : تیمسار سررتیب دادستان در دادگاه هیدوی از این سیاست بیرونی می کرد که دادستان را تهدید کند و در آن ورثیس دادگاه از نظر جلو گیری کننده تا من نتوانم جواب بیا نماند بی مدرک و آواز دادگاه عرض نمایم . به این طریق موفق شد که حکم محکومیت مرا از آن دادگاه صادر کند ولی در این حکم دادگاه رئیس هست که غیر از رعایت قانون دادرس است ارتش و مقررات دادگاه به توجهی به حرفهای تیمسار سررتیب دادستان نمی کند . دادستان از این جهت که نمی تواند جلو گیری از نظر من که هیچ وقت برخلاف مصالح مملکت نه در این دادگاه بلکه در هیچ کجا نگردم جلو گیری کند متأسفانه است . تیمسار سررتیب دادستان بر طبق آئین دادرس آنچرا که توانست گفت و هر بنا ساز شایسته که می دانست نسبت به من اظهار نمود . من از نظر این که یک زندانی هستم و یک فرد بی کسی هستم که در این زندان بسر می برم تا مگر گفته های او را تحمل کردم و آنچرا که ریاست محترم دادگاه فرمودید به آن عمل نمودم . فرمودید : **نگویم سررتیب آزوده گفتم تیمسار سررتیب دادستان (۸)** آنچرا شما در این دادگاه گفته اید من تمام بیاناتتان را نصب العین خود قرار داده ام . حرف دادستان تمام شد نسبت به آخرین دفاع رسید . منم به طوری که فرمودید مثال فرمودید اگر شما منم فرمودی خوانده شود مستقیماً نسبت به یک متهمی اثری ندارد آنچه عرض کرده ام مطابق نظریات دادگاه بوده است . البته در دادگاه ها باید حقیقت گفته شود . موقعی که دیروز بعضی رسا ندیم که در این اواخر معمول شده است (زنگ رئیس : مربوط به دادگاه نیست) . **دکتر مصدق :** اجازه نمی دهید چشم . من شرح وقایع دیروز را در تمام قیامی دهم نمی گذارید پس خوب . بنده دفاعی ندا رم بکنم . هیچ عرضی ندا رم هر کاری می خواهم بکنم . **رئیس دادگاه :** آقای دکتر مصدق شما آزاد هستید که در مورد سیزده ماده مورد ادعای دادستان ارتش هر دفاعی که دارید بکنید . بر فرض اینکه کسی در دستگاه انتظامی مورد تعقیب قرار گرفته است تنبیهی به حق یا ناحق در باره او اجراء شده مربوط به آقایان متهمین حاضر در این دادگاه نیست . آنچه مورد ادعای دادستان ارتش بوده در اطراف هر یک از آن مواد و پرونده های متوالی سخن بگویید دادگاه حاضر است استماع نماید ولی خارج شدن از موضوع و تنقیح کردن بحث یا ناحق از هیچ کس و هیچ مقامی که مربوط به اتهام شما شده مورد ندارد . چنانچه دیروز هم تذکر دادیم اینکه در قلمرو نوشته شده متهم زاد است هر چه را برای دفاع خود مفید میدانید بگویید با توجه به کلمه متهم و دفاع مسلم است که منظورقا نونگذا را این بوده آنچرا که متهم برای دفاع در محضر دادگاه به بیگانه می کند مربوط به اتهام ما باشد . حسن یا تقی چرا و کیل نشده اند رسیدگی به این امر مربوط به دادگاه نیست ربطی همه به ما نمی آید که به شما وارد سازد و مورد ادعای تیمسار دادستان ارتش است ندا رم .

هیئت دادگاه برای این تشکیل نشده که بشنود و تحقیق کند چرا بعضی ها در این دوره مجلس انتخاب شده اند و عده ای نشده اند . دادگاه برای این نیست که ببیند و رسیدگی کند که آیا منزل شما را که مدعی هستید کسی برده است ؟ صراحتاً می گویم که اگر چندین روز هم در مورد دادگاه تا مات ۱۳ گانه سخنی بفرمایید که مربوط به آن اتهامات باشد ما حاضریم استماع کنیم . اینک با توجه به این مراتب به دفاع خود ادامه دهید . مجلسی دیروز عنوان کردید ، دیگر تجدید عنوان آن مطلب که دکتر مصدق چه شده بنده آن مطلب را در این دادگاه عرض کردم چون مذاکراتی که در دادگاه می شود مربوط به مذاکراتی است که قبلاً شده است . بنده عرض کردم

همه سئوالاتی بشود و آنها بگویند برای چی و به حکم کسی ، قانون اساسی و قانون مجازات عمومی را نقض کردند . ریاست محترم دادگاه من با لصر احوال عرض می کنم که من کسی نیستم که اگر دادگاه رسیدگی کند از عرض حق سابق خودداری کنم من با یحقا یق را به عرض دادگاه برسانم و دادگاه آزاد است که به عرض من ترتیب اثر بدهد یا نه دهد . اگر به من آزادی دفاع می دهید از خود دفاع می کنم و اگر نمی دهید بر طبق ماده ۱۹۴ که می گوید متهم آزاد است در دفاع نمی کند و در این صورت با عت به جای خود می نشینم ، اجازه دهید متهم در دفاع و وکیل او از خود دفاع کند و بعد از آن مبارک را ما در فرما بید . بنده امر دادگاه را اجرا می کنم ، من صاف و صریح عرض می کنم ممکن نیست در دادگاه هی که محاکمه می شود از خود دفاع نکنم . اگر حرفی ، عرضی برخلاف مصالح مملکت گفتیم آن وقت آن مرد سر ما با آن کیفش داغون کند چنانچه که اسلحه دستش نیست . صاف و پوست کنده می نشینم و یک کلام از خود دفاع نمی کنم و حکمی را که ما در می کنیم اجرا می کنیم . خود ما ز روی اجبار نخواهیم ما در این صورت اجراء می کنیم . **رئیس دادگاه :** مکرر در مکرر در تمام جلسات گفتیم که متهمین در دفاع خود در دادگاه آزاد هستند ، امروز هم بطور مشروح تذکر دادیم شما در دفاع آزاد هستید . یعنی هر چه دفاع می کنید باید مربوط به مورد اتهام ما باشد و کسی یا شخصی یا مقامی توهین نشود . اینک برای آخرین دفعه به حکم قانون تکلیف می کنم که هر چه برای دفاع خود از اتهام ما مورد ادعای تیمسار دادستان ارتش لازم می دانید بیان فرمایید و در صورتی که از دفاع استنکاف کنید دادگاه به وظیفه خود عمل خواهد نمود . (قرائت تذکر قبلی بوسیله منشی) .

دکتر مصدق : برای آخرین مرتبه چند کلمه عرض کنم . بیانات ریاست محترم دادگاه امروز با روزهای قبیل فرق کرده است . امروز ما محدود می کنیم که در حدود کیفرخواست صحبت کنیم در صورتیکه روزهای قبل می فرمودید هر چه را که متهم در محضر خود می دانست می تواند اظهار کند مشروط بر این که برخلاف مصالح مملکت نباشد و از این نظر آقا فراموش کردیم که لایحه دادستان یک کلمه را در بیرون دادگاه اگر بیا دم آمده خدمت جناب عالی عرض می کنم . بنده همینطور که می دانست کس در دادگاه نطق ها هست اگر اجازه بدهید عیناً قرائت می کنم . تیمسار دادستان به من نسبت همگاری با پیشه وری داد این که در کیفرخواست نیست . اگر من در این باب عرض کنم از خود دفاع نگردم من آنچرا که می گوید در نفع من است حق دارم عرض کنم حالا شما نظرتان تغییر کرده بنده عرضی ندا رم و هیچ عرضی ندا رم به تکلیف خودتان عمل کنید .

رئیس دادگاه : آقای دکتر مصدق در مورد اینکه فرمودید نظرم در مورد دفاع با گذشته تغییر نموده صحیح نیست نظر من به حکم قانون همان است که گفته ام ولی متهمین نباید از این بیان من سوء استفاده کنند . در جلسه دیروز از این بیان من سوء استفاده شد و با استعمال این کلمه لفظ جمع در حضور شما بیان گفتید که افسران ارتش یعنی عموم افسران ارتش منزل مسر افشارت نمودند . چنانچه در مورد کلمه رجل و رجال روزی بحث فرمودید و تشریح کردید که رجل مفرد است و رجال جمع منم می گویم افسر مفرد است و افسران جمع . آیا انصاف است ؟ و وجدان شما را احتیاج است که به جمع کثیری از افراد این کشور که خود را خدمتگزار این مردم می دانند بدون استثناء نسبت غارتگری بدهید . من یکی از آن افسران ارتش و تیمسار این تیمسار را در این جلسه با من معامه افسرانند . ما غارتگری نه شما بودیم ؟ البته اجازه نمی دهم نه به شما و نه به متهم دیگر چنین اهانتهای توهین آمیز بکنید که در این جلسه حفظ استقلال این مملکت نمودند و می کنند و افتخار به این ما مورثیست مقدس دارند بکنند . به لفظ جمع گفتید اهل جنوب شهر خانه مرا غارت کردند .

اهالی جنوب شهر مردمان زحمت کش این کشورند . مردمانی هستند که زحمت اهل شهر محرومند مردمانی هستند که با دسترنج روزانه خود قلمه نان می خورند و قدرت تهیه دارو برای اطفال خود ندارند .

من رئیس دادگاه اجازه دهم به مدتها اهل اهل جنوب شهر که من به همه آنها احترام می گذارم که با زحمت روزانه رفع احتیاج یومی خود را می کنند آن وقت به لفظ جمع گفته شود غارتگران . آیا طرح چنین موضوعی و نسبت غارتگری به افسر و جنوب شهر اشری در دادگاه اتهامی که مورد ادعای دادستان ارتش است وجداناً تصدیق می فرمایید که در دادگاه؟ شما دفاع کنید در مورد پیشه وری حق دارید هر دفاعی دارید بگویید چون دادستان ارتش عنوان کرد در دادگاه دفاع کنید . در هر مورد دادستان آن را مدرک قرار داده با قریب گرفته و خواسته است با استفاده از آن قرائن و مدارک که بحق یا ناحق اتهام منتسب به شما ثابت کند حق دفاع دارید . اینک نیز می گویم در حدود این توضیحاتی که دادم دفاع خود را شروع کنید . چنانچه نفرمایید دنیا اعلام می کنم که چون قصداً نسبت به ملت ایران و به افسران ارتش دادشتید و کیل خود شما مکل است از جناحی دفاعی که داد و اگر ایشان هم استنکاف کردند دادگاه به وظیفه قانونی خود عمل خواهد کرد .

که ما دو جور دولت داریم یکی دولت صورتاً " مستقل و دیگر معنا " مستقل و تیمسار گفت مرگ بر مصدق . روی این اصل بنده لازم شد عرض کنم که جریان استقلال ما از چه قرار است . اگر عرض نمی کردم و اگر توضیح نمی دادم مردم مملکت ما یک خائنی تصور می کردند من ناچار بودم که عرض بکنم : تا ملتی نداند که مستقل نیست هیچ وقت برای استقلال خود قدمی بر نمی دارد . اگر یک چنین عرضی که مربوط به آن بیانات ایشان و مرگ بر مصدق است نیست البته بنده هر چه عرض کرده ام بیجا و بی مورد عرض کرده ام ولی اگر هست و اگر صلاح مملکت در این بوده که آن نظریاتی که عرض کرده ام تا توضیح بدهم تا هموطنانم آگاه شوند در این صورت ایشان حق نداشته برخلاف قانون برخیزند و بی عرض بنده پیشنها دجلسه سری کنند و امروز هم در نامه خود دلایل سری بودن جلسه را که یک فرد از افسران این مملکت قبول نمی کند بنویسد و در این دادگاه فراموش شود . ریاست محترم دادگاه یکی از چیزهایی که برای وقایع روز ۲۵ تا ۲۸ مرداد دلازم بود تحقیقات از شاخه ای بود که شب ۲۵ مرتکب آن عملیات شده اند . اگر بفرمایید که آن عملیات در وقت ۲۵ - ۲۸ مرداد می شده است فرمایید بر خلاف آنصواب فرموده اید . دادگاه نخواست همان طوری که سررتیب سیاسی حاضر شد و تحقیقاتی از او بعمل آید از آن اشخاص

در ساعت ۱۱ جلسه بعنوان تنفس تعطیل و در ساعت ۱۱/۱۵ مجدداً جلسه تشکیل شد .

رئیس دادگاه : آقای دکتر مصدق در جواب هر یک از اظهارات دادستان ارتش هر چه برای دفاع لازم دارید بیان فرمایید .

دکتر مصدق : ریاست محترم دادگاه از بیاناتی که فرمودید من خیلی متأسفم ، چرا ؟ برای اینکه شخصی تیمسار مرا بجا نیاورده اید و نمی دانید که من چه هستم چه فکرمی کنم چه هدفی دارم . من زندگی را به هیچ می شمارم . با کسانی که زندگی را به هیچ می شمارند

۱ - منظور دکتر مصدق اظهارات مهندس کاظم جعفرودی در جلسه مورخ ۱۳۳۳/۲/۲۷ مجلس شورای ملی (دوره هجدهم) در دفاع از اهداف نهضت ملی ایران می باشد .

۲ - دکتر مصدق پس از بیان عبارات در لایحه خود نوشته بود : **« کاش ایستاده شام ملت آزاد نیست که بیگانه نگان بوسیله اعمال خود در انتخابت که تا موس مملکت است دخالت کند و به حرف سررتیب آزوده او مثال او که به نفع سیاست خارجی تبلیغات می کند خود را متقاعد کند هیچ وقت روی آزاد را نخواهد دید »** ولی بعداً " روی آن خط کشیده است .

۳ - تا اینجا از خارج از لایحه صحبت می کرد و سپس از روی لایحه تنظیمی به قرائت پرداخت .

۴ - اشاره دکتر مصدق به مندرجات مجله خارجی است که در دادگاه بدوی با گراور پیشانی داغ شده ای تسلیم دادگاه کرد .

۵ - اظهار نظرهای مخالفین دکتر مصدق در مجلس شورای ملی با عت کلامها دشمن اینها گفته های مهندس جعفرودی را می آورم .

۶ - منظور دکتر مصدق است .

۷ - این هم مثل همه قسمت دوم سال دوم حکومت دکتر مصدق را مورد انتقاد قرار داد تا بگویند مصدق است . ممکن است چه دلش هم نبوده .

۸ - عنوان تیمسار سررتیب دادستان هم نظر دادگاه در دست نبود صحیحاً ش که دادگاه در نظر ارتکار داد شست تیمسار دادستان ارتش یا تیمسار سررتیب آزوده دادستان ارتش بود . سررتیب دادستان آن موقع فرما نداد نظامی تهران بود و دکتر مصدق از این عدم تناسب موضوعی توانسته بود حد اکثر استغاده را در خلاف نظر دادگاه بکند و تحقیر نماید .

بقیه از صفحه ۱

که لفظ "ایران" و "ایرانی" را در مورد سفا رتخا نه ها و ما مورین سیاسی رژیم آیت الله بکا رمیبرند، ما اصرار داریم حساب این رژیم را از ایران و ایرانی جدا کنیم و احتراماً زدا ریم زاین که بگوئیم رژیم ایران یا دولت ایران یا ناما پنده ایران، "تعمداً" از رژیم آیت الله، با همان عنوانی که خودشان انتخاب کرده اند یعنی "جمهوری اسلامی" نام می بریم تا حرمت کلمه "ایران" محفوظ بماند. ما هیچ نوع بستگی بین خودمان با این رژیم و این پرچم و این علامتی که برای آن اختراع کرده اند حساس نمی کنیم، ولی متأسفانه آنچه در جامعه بین المللی برسمیت شناخته میشود حساسات ملت ها نیست، موجودیت حکومت ها است.

سفا رتخا نه های جمهوری اسلامی را در همه جا - متأسفانه - سفا رت ایسران میخوانند و ما مورین این سفا رتخانه ها را ایرانی می شناسند و هرکاری اینها میکنند ما ایران و ایرانی تمام میشود.

رژیم خمینی نه حیثیت برای خودش باقی گذاشته است، نه برای ایران و ایرانی. کشورهای زیادی در طول تاریخ دچار

معجزات امام: تبدیل آدم به آدمکش

با ورتکردنی بکشاند.

با ورتکردنی نیست ولی ما به چشم خودمان می بینیم فقط در فاصله هشت سال، ایران چندین قرن به قهقرا برگشته و از هر جهت دجا را انحطاط شده است تا جایی که افراد تحصیل کرده آداب شناس آن هم از تاء شیرا انحطاط برکنار مانده اند.

همین وحیدگرچی که زدا ستان او با خبرید جوانی است تقریباً "سی ساله که از کودکی با تفاق خانواده اش در فرانسه زندگی میکرده و در فرانسه درس خوانده و در فرانسه تربیت شده است. این شخص را رژیم خمینی تبدیل کرده است به یک آدمکش حرفه ای که با کمال خون سردی در کنار خیابان بمب میگذارد و مخصوصاً "جایی را انتخاب می کند که از دحام بیشتر با شد و عده بیشتری در نتیجه انفجار بمب کشته یا زخمی شوند.

وقتی جمهوری اسلامی سفا رتخا نه های خود را در کشورهای خارجی به کسانون فعالیت های تروریستی تبدیل میکند و برای ایجاد شبکه های تخریب و ترور و

انحطاط شده اند و کشور خود ما هم از این گرفتاری برکنار نبوده است. سیاحان و شرق شناسانی که در قرون هجدهم و نوزدهم به ایران سفر کرده اند تا غلب، در آثارشان اظهار تعجب میکنند که چطور ایران بدان عظمت و بدان آبادی بسه این چنین مخروبه ای تبدیل شده است و ایرانی ها که در عهد باستان، وقتی سی وسایل و مکانات آنقدر محدود بود، آنچنان امپراتوری بزرگ و نیرومندی ساختند و بخوبی از عهد داده آن برمی آمدند امروزه بقایای نیمه ویران آن کشور بزرگ را نمی توانند آبا دنگهدارند و بدرستی ضبط و ربط و آداب را گنند.

پاسخ به این سؤال در گذشته مستلزم ورود در بحث طولانی و تحلیل رویدادهای مختلف تاریخی و تاء شیرا آنها برحوالات عمومی و خصوصی در جامعه بود، ولی امروز ما با سخمس آن را داریم. یک خمینی و یک حادشه، ما نندا نقلابی که او رهبری کرده کافی است برای این که هر مملکتی، هر ملتی، هر مذهبی، هر مسلکی را به انحطاط

آدم ربایی و آدم کشی بودجه های کلان اختصاص میدهد طبیعی است اما مثال وحیدگرچی هم پیدا میشوند که کارکردن با این شبکه را کوتاه ترین راه ترقی و موفقیت تشخیص میدهند.

وحیدگرچی کارمند وزارت امور خارجه نیست و سمت رسمی در هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ندا ردولی همانطور که میدانیم در سفا رتخا نه همه کاره بوده است و فرانسویها نیز او را شخص دوم سفارت می شناسند. بعلاوه، اینطور که از گزارشها برمی آید قرار بوده است وحیدگرچی به تهران برود و در نخست وزیری مسئولیت مهمی برعهده بگیرد و لابد این مقام، مقدمه وزارت او بوده است چنان که اشخاص دیگری هم در این چندساله فقط به اعتبار رسوا بقشان در فعالیت های تروریستی وزیر شده اند.

حمایت آشکار جمهوری اسلامی از وحیدگرچی، بذات خود قبول اتهام آلودگی به فعالیت های تروریستی از طرف رژیم آیت الله محسوب میشود.

دیگران، وقتی میخوانند ما سوسو و خرابکاری به کشورهای خارج بفرستند اول با او می کنند که اگر اتفاقاً گرفتار شد دولت هرگونه ارتباط خود را با وی تکذیب خواهد کرد. جمهوری اسلامی، علاوه بر اینکه علی رغم مقررات بین المللی سفا رت را مرکز فعالیت های تروریستی قرار داده و از امکانات و تسهیلات و معافیت های دیپلماتیک برای قتل و تخریب در سرزمین دیگران بهره برداری ردیلان کرده است، عوض این که بنحوی بر آلودگی خود سرپوش بگذارد و وحیدگرچی را بداخل سفا رتخا نه میبرد و برای او مصاحبه مطبوعاتی ترتیب میدهد، معنی این کار چیست؟ معنایش اینست که وحیدگرچی شخصاً مسئول انفجار و تخریب و تحریک و آدم کشی و قاچاق اسلحه و مواد مخدر نبوده و همه این کارها را او و دیگران طبق دستور سفا رت انجام می داده اند.

مسأله وحیدگرچی اگر به مداخله علنی سفا رت نمی کشید هم بصورت یک امر قضائی و هم در کار دریده و بستان های دیپلماتیک قابل حل و فصل بود ولی حالاً قضیه صورت دیگری پیدا کرده است. یک سفا رتخا نه و در واقع، یک دولت بسرای اولین مرتبه آشکارا مسئولیت عملیات تروریستی را در کشور دیگری بعهده گرفته و این غیرا زما جرای قاچاق تریاک بوسیله صادق طباطبائی یا سرقت با رانی توسط رجائی خراسانی است که به آسانی بتوان سر و تهش را بهم آورد.

سوریه هم فاصله میگیرد

بقیه از صفحه ۱

نشانه های سیاسی رتخا نه های از این دارده که چنین کنفرانسی در دست تدارک است، و به دلایلی که اکنون از جزئیات آن نمی گذریم، این کنفرانس هر قدر به وقوع بافتن نزدیک تر گردد، به همان اندازه دمشق از تهران فاصله می گیرد، زیرا اگر صلحی در منطقه فرا رسد، با این جنگ هفت ساله جمهوری اسلامی و عراق را نیز مل خواهد شد. سوریه با بدبا رمتاسات نزدیک با رژیم تهران را فروزیدنا در جستان کنفرانسی با بقیه کشورهای عرب، همصدا با یکمدا سخن گوید. این بهائیتی است که دولت های عربی، خاصه عربستان سعودی و کویت، از سوریه می خواهند. با وضع اقتصادی که در سوریه روز به روز وخامت بیشتری گراید، مقام و مستدر برای برجنین خواستی برای حافظ اسد روز به روز دشوارتر می گردد، چنین می نماید که نزدیکی با تهران دیگر میدان ما نوری بیش از این برای دمشق نخواهد گشود. به عکس، سوریه هر قدر به سوی اثبات تسلط خود بر لبنان جلوتر رود، سطح درگیری آن با حزب الله طرفدار جمهوری اسلامی و حتی خود با سدا ران انقلاب اسلامی گسترده تر خواهد شد. کشتار بیست و اندی حزب اللهی در لبنان در اسفندماه با رسال به دست سربازان سوری، فقط کوسه ای از ابعاد وسیع درگیریهای خونین آینده را نشان می دهد. فرض را با بدبا رمتاسات که حزب الله، در برابر نیروهای سوری، اگر بخوانند دره، بقا و بعلبک و حومه جنوبی بیروت و

جنوب لبنان را در اختیار بگیرند، مسلماً مقاصد خواهد کرد. در این صورت نیروهای سوری راهی جز سرکوب بیرحمانه این مقاصد نخواهند داشت. میان نیروهای غازیکنان و حزب الله هیچ قانونی جز قانون زور قضاوت نخواهد کرد. برسی فقط این است که آیا جمهوری اسلامی نکست حزب الله و بر جیده شدن نفوذ خود را از لبنان فرو خواهد بلعید و جزا عسرافنی لفظی کاری نخواهد کرد؟

اگر چه کنگاه از حوزه علمیه قم با مجلس شورای اسلامی صدائی به اعتراض علیه سوریه برمی خاست، اگر چه بی از کشتار حزب اللهی ها در لبنان این صدای اعتراض بلندتر هم شد، ولی سرانجام سدا ران تهران در برابر دمشق کوتاه آمدند.

چنین می نماید ما دام که دمشق در ارتباط با جنگ خلیج فارس موضعی هماهنگ با دیگر دولت های عرب منطقه اختیار نکند تهران ترجیح می دهد که کارش با سوریه به رویا روئی نکند، اما نشانه ها حکایت از آن دارد که زاین حیث جرحش هائیی در سیاست دمشق بدیده آمده اند.

با زار مشترک اروپا در آخرین اجلاس وزیران خارجه خود بر آن شد که تحریم های اقتصادی علیه سوریه را بسردارند، و انگلستان که به بددنبال ماجرائی تروریستی مناسبات دیپلماتیک خود را با دمشق قطع کرد، دست همیما نشان اروپائی خود را در این کار باز گذاشت. حکومت ریکا نماینده خود در سازمان ملل، ورتون والترزرا، به دمشق فرستاد

تا با حافظ اسد در باره مناسبات دوجانبه و کنفرانس صلح و جنگ خلیج فارس گفتگو کند.

رژیم تهران تا آرام است، روزنامه کیهان (جانب تهران) در شماره ۱۳ تیر، در ستون های اخبار محرمانه خود، زیر عنوان "سکوت دمشق" به لحنی آمیخته با نگرانی و تهدید، می نویسد که عبدالحلیم خدام وظایف عزیزی تا زکی در اردن ملاقات کرده اند، و بزودی نه تنها میان سران عراق و سوریه، بلکه بین حافظ اسد و ریکا نیز دیداری دست خواهد داد.

سوریه میدان را بر حزب اللهی ها در بعلبک تنگ تر کرده است و حتی تهدید کرده است که گروگانگیرها را در لبنان تحمل نخواهد کرد و در صورت لزوم بسیه محل های شنا سایی شده را بندگان حمله خواهد کرد. روزنامه نامبرده پس از اشاره به دیدار سران دو کشور عراق و سوریه با حضور ملک حسین و میر عبداللہ ولیعهد عربستان سعودی، می افزاید: "سوریه مقدمات با زکسانی خط لوله نفتی ما در عراق را به مدیترانه آغاز نموده، هم اکنون با استفاده از کامیون های نفتکش بزرگ انتقال نفت ما دراتی عراقی از خاک خود می باشد." روزنامه سین به تهدیدی تلویحی می پردازد که اگر سوریه نشان ندهد که از سیاست بیسین خود عدول نکرده است، می توان نتیجه گرفت که در برابر تهدیدهای غرب و تطمیع های ارتجاع عرب برانجام ما ناچار شده است در سیاست خود تجدید نظر کند.

بازی، طعمه ای که دولت های اروپائی غربی و خاصه کشورهای ترولمنند عرب نزد سوریه می انداختند، همواره لذید بود. ولی امروز سوریه در تدوین سیاست های خود بین واقعیت را نیز به حساب می آورد. که کبسه جمهوری اسلامی خالی شده است.

راهنمای ایران

برای ما اول
 ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۲ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه رادیوهای ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۸۵ تا ۹۵۹۴ کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز).

برای ما دوم
 ساعت ۶/۵۵ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتاه رادیوهای ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۱۲۰۰ کیلوهرتز) ساعت ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه رادیوهای ۲۱ متر (فرکانس ۱۲۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۲۰ کیلوهرتز).

به خمینی

اسلحه نقر و شید

دکتر شایسته یوریکتیا رهبر نهضت مقاومت ملی ایران در بیانی که بکشیده نوزدهم ژوئیه به مناسبت سوگ صد تا فرجام به جان آقای امیرحسین امیرکبیر، رئیس هیئت اجرایی نهضت در انگلستان فرستاده اظهار داشت که توطئه سوگ صد به جان دوست و هم‌روزم آقای امیرحسین امیرکبیر، با ردیکره نبوت رساند که رژیم خمینی در ورای حدود و نفوذ قانون بین المللی و اجتماع بین المللی ست دکتر یوریکتیا در بیانی خود گفت در آنچه مربوط به نهضت مقاومت ملی ایران است عوامل رجالی خمینی با بدبختی ننداستخوش انشیا به مملکتی شده اند، چنانچه تصور کنند که با این اقدام های تروریستی موفق خواهند شد، غای نهضت را دستخوش ترس و وحشت سازند، ما همچنان به رغم تمام اقدام های قاتلان حرفه ای رژیم تهران به تلاش خود برای حصول صلح، دموکراسی و حقوق بشر در ایران عزیزمان ادامه خواهیم داد و در آنچه مربوط به انگلستان و کشورهای غربی ست به آنها می گویم که آیا موقع آن فرانسوی ها ست که از ادامه معامله با این رژیم دیکتاتورانه که سیاست آن مدور افکار فراطبی و ترس و وحشت به کشورهای جهان است خودداری کنند، دکتر یوریکتیا در بیانی گفت من خواستار تحریم کامل فروش اسلحه به جمهوری اسلامی هستم و این خواست ما مل بستن دفاتر شرکت ملی نفت در لندن که در آن ماه موران خمینی سرگرم خریدهای بین المللی اسلحه هستند نیز می گردد.

سخنرانی دکتر عبدالرحمن پرویند

هدف نهضت

بقیه از صفحه ۴

استقرار حاکمیت ملی مبارزه میکنند بلکه از استقلال و حاکمیت سازمانی خود هم به تمام نیرو دفاع مینمایند و در هیچ شرایطی به هیچ کس اجازه مدها خلع و تحمیل اراده نمیدهد.

(۰۰۰)

حفظ ثبات منطقه و در نتیجه، حفظ صلح جهانی میسر نیست مگر اینکه نظام مردم سالاری و حاکمیت بی قید و شرط ملی در ایران مستقر گردد و فقط در این صورت است که منافع مشروع آنان نیز ضمن رعایت حداکثر منافع و مصالح ملت ایران تأمین خواهد شد.

اینک با توجه به مطالبی که عرضه داشتیم ملاحظه میفرمائید که اقدامات لازم برای اینکه بعد از سرنگون ساختن رژیم مملکتی خودی ملت ایران در جاسوسگری نشود و گرفتار غول بیابان نگردد، بعمل آمده و باید دید که آیا بدو تکمیل شود و سپس عملیات برای نجاتی که آنهم مستمرا "تدارک شده و میشود" آغاز گردد. من در اینجا رسماً اعلام میکنم که نهضت

رژیم بی فردا

نه تنها در ایران، بلکه در همه آنچه به ایران مربوط می شود - خاصه در خلیج فارس - منظره سیاسی سریع تر از آن تغییر می کند که بتوان آن را نادیده گرفت. پایه های فشارهای اقتصادی - اجتماعی که در داخل رژیم تهران سنگینی می کند و توان آن را گاه آهسته و گاه تند و تندی پیوسته، می فرساید، فشارهای بین المللی نیز بر آن افزایش یافته است تا راهلی برای جنگ پیدا شود.

اما آیا رژیم تهران در این فشارها به سوی میز مذاکره خواهد آمد تا در برابر شرایط آتش بس و ترک مواضع مذاکره کند؟ برای دادن پاسخ منفی به این پرسش نیازی به تفکری طولانی وجود ندارد. دیگر حتی خوشبین ترین ناظران و مفسران نیز تردیدی در این ندارند که رژیم تهران، دست کم ما دام که خمینی زنده است و خط اصلی سیاست رژیم را تعیین می کند، به هیچ روی به مذاکره روی نخواهد آورد. هر چند که روز به روز روشن تر شود که پیروزی نظامی در چشم انداز قرار نداد و در قریب نخواهد گرفت.

به این ترتیب با پذیرش آن فشارها به کدام منظور است؟ پاسخ این است که فشارها اگر چه رژیم خمینی را به میز مذاکره نخواهد کشاند، اما درست کردن پایه های قدرت و وودرتنگ کردن نفس و تواناندیش از این دروادی بی پایان جنگ بدود، تأثیری نمایان نخواهد داشت.

ما با رها اشاره کردیم که به رغم تلاش های انسان دوستانه موسسه ها و چون حقوق بشر و عفو بین المللی، دولت ها هرگز از رژیم شهری به سفاکی و تجاوز و زوری نخواهند گردانند اگر آن رژیم پایه های حکومتش را در داخل استوار کرده باشد. اکنون اشاره می کنیم که عکس این نیز بیهی همان اندازه درست است. اگر پایه های حکومتی در داخل مستقر شود، هیچ انگیزه ای سبب نخواهد شد که دولت ها به سوی چنین حکومت در حال فرو ریختن، دست یاری دراز نکنند و در نجات آن بکوشند. آنان نسبت به حکومت های به اصطلاح "دوست" چنین نمی کنند، و در برابر رژیم خمینی به طریق اولی نخواهند کرد.

اینکه رژیم خمینی فاسد است، اینکه رژیم خمینی از تروریسم بین المللی حمایت می کند و یکی از خاستگاه های اصلی آن است، اینکه رژیم خمینی مدام به حقوق بشر تجاوز می کند - اینها چیزی نیست که دولت های بزرگ اروپا تا زه دریا فته باشند. حتی پس از آن که معلوم شد از این لحاظ هیچ نقطه ای با می در مورد رژیم خمینی وجود ندارد، حکومت آمریکا

مقاومت ملی ایران مثل گذشته نسبت اتحادی به هم افرا دوسا زمانه های که هدفشان حاکمیت ملت ایران است دراز میکنند و یقین دارند که به هم هم مردان و زنان میهن پرست و آزاده ایران و بیاری

کوشید تا پنهانی با آن را ببطور قرا رکند که رسوائی معروف به "ایرانیکیت" بسیار آمد.

و اکنون که دولت های مهم اروپا بی تناسب خود را به حداقل لازم کاهش داده اند و حتی فرانسه تهدید کرده است که مناسبتش را با رژیم تهران قطع خواهد کرد، فقط یک نتیجه می توان گرفت: پایه های رژیم خمینی سست شده است و حکومت تهران فردا بی نذارند.

اما این سبب نمی شود که رژیم تهران برای بیرون آمدن از انزوایی که روز بروز بیشتر می شود، تلاشی ننماید. گردا گرد آن در خلیج فارس، حلقه مدام تنگ تری می شود. رژیم تهران پس از آن که تلاش و برای شکاف انداختن در سیاست آمریکا تا کشتی های کویستی نتوانند پرچم آن کشور را بر کشتی های خود برافرازند، به نتیجه دلخواه نرسید، می کوشد و حرکت موازی با یکدیگر انجام دهد. نخست اینکه با حمله به کشتیها در خلیج فارس نشان دهد که به رغم افزایش حضور نظامی ابر قدرت ها در این آبراه بین المللی، آرا مشیدان با زنگشته، بلکه نا امن تر نیز شده است.

دوم اینکه با انعطاف پذیری بیشتر در عرصه دیپلماتیک، درهای مذاکره را برای توافق های احتمالی بعدی باز بگذارد. واکنش نسبتاً ملایم رژیم تهران در برابر تعرض دیپلماتیک فرانسه در ارتباط با فعالیت های تروریستی و حیدگرچی زیک سوودر عین حال حمله به یک کشتی بازرگانی فرانسوی در آب های جنوبی خلیج فارس از سوی دیگر، جلوه های همین سیاست دوگانه رژیم تهران است.

ولی در حالی که واکنش ملایم دیپلماتیک رژیم تهران سبب نشده است که فرانسه در مورد حیدگرچی کوتاه بیاید و نخست وزیر این کشور گفته است که، حیدگرچی، با بدند دقایقی تحقیق حاضر شود، گمان نمی رود که تهدید های تروریستی در خلیج فارس واقعاً احتمالاً لبنان، فرانسه را به نرزش وادارد.

سرنوشتی که اروپا ثیان و آمریکا ثیان با آن روبرو هستند این است که در گذشته در برابر رژیم تهران بیش از اندازه نرزش نشان داده اند. افکار عمومی در این کشورها می گوید اگر دولت آنها به درافتادن با رژیم تروریست عذلات به اندازه کافی ورزیده ای دارند، اکنون روز نشان دادن این عذلات است.

پرواز جنگنده های آمریکا ثیان و هواپیما برکانس تلیشن "بر فراز خلیج فارس" اگر فقط در حدیک قدرت نمایی ساده باشد، کار دولتی های بزرگ را خراب خواهد کرد. آمریکا برای باور پذیر کردن اراده خود با بدجلوتر از اینها بیورد. این نتیجه ای است که اکثریت بزرگ سیاستمداران آمریکا بی بدان رسیده اند.

یزدان پاک یک با ردیگردنیا خواهد داد. ایران هرگز نخواهد مرد.

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

این جانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین) نام خانوادگی:

Nom

نام:

Prénom

آدرس:

آدرس: (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)

مایل منشریه، قیام ایران را به مدت یک سال (مبلغ) به مبلغ قیام ایران به حساب بانکی منشریه به حساب پستی منشریه ارسال می کرده.

تاریخ: امضا

شماره حساب پستی:

QYAM IRAN
C.C.P No: 2400118/E
PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

توجه لازم

شما دارد تقاضای اشتراک را به آدرسی قیام ایران ارسال فرمائید. نامه های که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

عطسه بیداری غرب

بقیه از صفحه ۳

با هزار نیرنگ، دولت آخوندهای فاسد و ضد بشر را تقویت کرده اند؟ همدا بران میدانند که شما، دول غربی، بمنظور حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود، با وجود اهانتهای مستعربانه شما، مستسی و جوش عمامه سرکه نارتانند، همواره در صد نما و دلجوئی با اقلیت فاسد و زورگوی حاکم بر ایران بوده اید.

امروز که دولت فرانسه دست رد برتقاضای بی منطق و اولتیماتوم خجلت آور آخوندها زده و روابط سیاسی خود را با جمهوری آذمکنان قطع کرده است، می بینیم آن سوادلی که دکتر یوریکتیا، در ماه نوامبر ۱۹۸۲، در انجمن "کنفرانس های بزرگ با رین" مطرح کرد که: کدام کشور عاقبت این سعادت را خواهد داشت که تقاضا کند کسوری که قوا عدلندکی بین المللی را محترم نمیدارد، از جامعه بین المللی رانده شود؟ - هر چند در برابر پاسخ خود را یافته است.

بقیه از صفحه ۱

مجلس پنجم میدان مسابقه‌ها می‌شود و سردار سپه‌لازم می‌دید که اکثریت نمایندگان این مجلس را در اختیار داشته باشد. بدین منظور، ماء موران وزارت داخله (کشور) و تنظیم (شهربانی) و حکام نظامی ولایات، بر حسب اشاره دولتی، مورد نظر شدند تا با ترفیع طرفداران شناخته شده سردار سپه‌کار گردانی کنند و از کسائی هم که زمینه‌های داشتند و انتخاب آنها محتاج صندوق سازی و مداخلة دولت نبود، پیشاپیش ترفیع سردار سپه بیعت بگیرند.

بدین ترتیب، مجلس پنجم در حالی که اکثریت اعضای آن را طرفداران یاسر سرداران سردار سپه تشکیل میدادند، رسمیت یافت ولی البته اقلیتی هم وجود داشت و افکار عمومی هم در آن روزگار هنوز نقشی در جریان‌های سیاسی کشور ایفا نمی‌کرد و بدین ترتیب، از همان ساعت اول، مجلس جدید صحنه کشمکش دو گروه سیاسی شد، گروه‌ها میان سردار سپه و گروهی که از افزایش قدرت سردار سپه و نشست او بر مسند ریاست فائقه و فرمانروایی کشور و همه‌داشته‌شدن و معتقد بودند که سردار سپه قدرت بیشتری پیدا کند تا مشروطیت خوانده خواهد شد.

وکلاي مجلس میبایستی در ابتدای کارشان به کلام الله مجید سوگند بخورند که نسبت به قانون اساسی وفادار خواهند بود و در قانون اساسی، قید شده بود که سلطنت موروثی ایران حق مسلم خاندان قاجار است و نسل بعد از نسل در اولاد ذکور محمد علی شاه قاجار باقی خواهد ماند. آنوقتها هنوز سوگند یاد کردن، آنهم سوگند بقید قرآن، امری سرسری گرفته نمی‌شد. عده‌ای از وکلای اکثرشان هم معموها هل نما زور زده بودند چون میدانستند در مجلس پنجم کاری پیدا نمی‌شود، در مانده بودند که با این سوگند تکلیفشان چیست.

خاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی یکی از این وکلای بود، او در خاطرات خود مینویسد:

"ده روزی سردار سپه مرا طلبیده میگوید هیئت علمیه مجلس تازه رام شده و کارها داره جریان می‌افتد فقط آنها را تعلق کردن یک عده از نمایندگان که از جمله شما هستی در کار سوگند خوردن دلتنگ میباشند و تقاضا کرده اند از شما و زدیگر رفقای قسم نخورده بخوام در ادای این رسم تعجیل نمائید که این غائله هم بر طرف شود.

جواب میدهم چون نمایندگی را پذیرفته‌ام ناچار باید وظایف و تشریفات آن را بجا آورم اما شخصی شما میگویم اگر رفتیم به کرسی خطا به مجلس و قسم یاد کردیم که از حدود قانون اساسی تجاوز نکنیم دیگر به کاری که مخالف این قانون بوده باشد اقدام نخواهیم کرد.

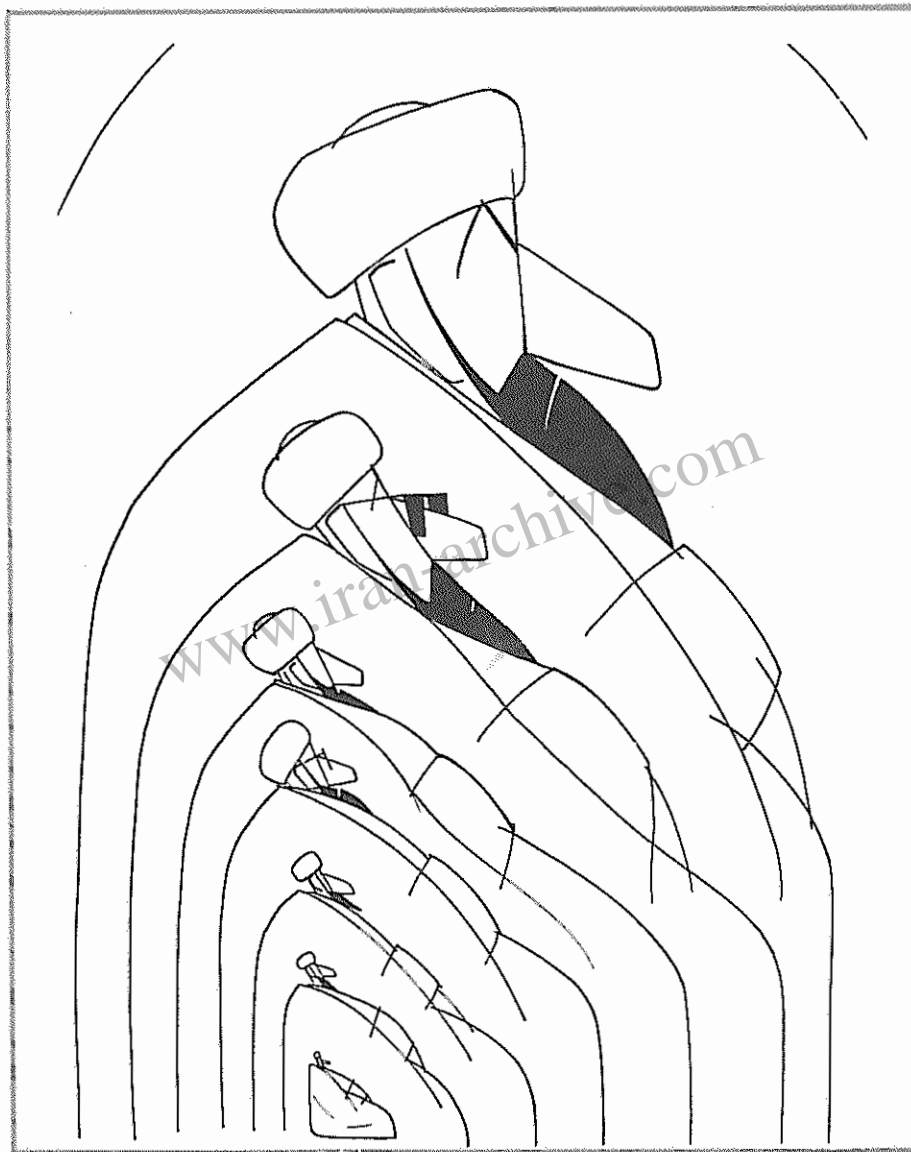
سردار سپه با بشره برافروخته میگوید: این چه حرفی است؟ امروز این اقتضای را دارد، رفتا می‌کنید فردا هم هر چه اقتضا کرده‌ها را خواهید کرد!!".

سومین مجلس اسلامی هم - در صورتی که

حمله و ضد حمله

جناح اول با تغییر و تبدیل وسیع فرمانداران حمله را آغاز کرد. فرماندارانی که عوض شدند عموماً "سفا رش شده" شده جمع و جماعت بودند و وزیر نفوذ آنها قسراً داشتند. از آنجا که همه جمع و جماعت بیشتر "بیت‌نا بیامام" در ارتباطند وجود فرماندارانی که تحت نفوذ آنها

وضع و احوال سیاسی در ایران بصورت عادی ادامه پیدا کند. صحنه‌های زیبای بزرگ خواهد بود و به همین سبب است که مدعیان قدرت از هم اکنون بر سر انتخابات و تصاحب کرسی‌های بیشتر پنجه در پنجه یکدیگر انداخته‌اند. جناح‌ها بسته به "بیت‌نا بیامام" که به طرفداران



قرا داشته باشند طبعاً "مزا حمان" انتخاب وکلای مورد نظر برای تشکیل مجلس یکدست خواهد بود. از زینرو فرمانداران جدیدی از طرف وزارت کشور تعیین شدند که مطیع اوامر مرکز باشند و گوش به حرف آخوندهای محل ندهند.

همزمان، حمله دیگر جناح وابسته به بیت‌نا بیامام نیز با انحلال حزب جمهوری اسلامی به موفقیت مقرون شد. در حزب جمهوری اسلامی، گروه‌هایی از مذهبیون و تجار و اصناف که از افتادن قدرت مطلقه دست‌رفسنجانی و دارو دست‌ها و بیعتا کنند با یگانهای محکمی داشتند و حزب خواسته‌ها را در انتخابات نقش مؤثری ایفا می‌کرد و اینهم برای انتخابات صدرصد دولتی بمنظور تشکیل مجلس یکدست مزا حمتی محسوب میشد. بنا بر این حزب

فقه پویا شهرت یافته و ائتلافی است از سید احمد خمینی، هاشمی رفسنجانی، موسوی نخست‌وزیر، محتشمی وزیر کشور، رفیق دوست وزیر سپاه و تعدادی دیگر از اطرافیان و بستگان خمینی همان تاکتیکی را اختیار کرده است که سردار سپه برای رسیدن به قدرت مطلقه بکار گرفت. یعنی میخواستند مجلسی یکدست از وکلای سرسپرده تشکیل دهد و بدست این مجلس تمام مقاصد خود را اجراء کند.

در برابر این گروه، جناح وابسته به "بیت‌نا بیامام" قرار داد که به طرفداران فقه سنتی مشهور شده است و این جناح می‌گوشد سنگرهای را که هنوز در مقابل تسلط طلبی جناح دیگر مقاومت میکنند نگهدارند و از اینکه رقیبان اختیار کامل مجلس را بدست آورند مانع شود.

منحل شد تا کاندیدایی در انتخابات نداشته باشد.

تنها مانعی که در برابر انتخابات مورد نظر و تشکیل "مجلس یکدست" باقی مانده شورای نگهبان است. نطق تضرع میسر رفسنجانی در برابر خمینی، راجع به شورای نگهبان، مقدمه‌ای برای مرحله سوم حمله و درهم‌کوبیدن این سنگر آخربین بود زیرا شورای نگهبان در انتخابات، اختیارات تعیین‌کننده دارد. صلاحیت کاندیداهای نمایندگی با بدیهه‌تصویب شورای نگهبان برسد و در حقیقت، شورای نگهبان است که در مرحله‌های نامزدهای نمایندگی را معرفی میکند. علاوه بر این، نظارت بر صحت جریان انتخابات از وظایف شورای نگهبان بشمار می‌آید و شورای نگهبان میتواند انتخابات را در هر مرحله‌ای متوقف یا باطل کند.

رفسنجانی، در خطابه‌ها استراحت می‌خورد، شورای نگهبان را مانع اصلی در راه تصویب قوانین اساسی و تحقق بخشیدن به هدفهای انقلاب و تاءمین سعادت مستضعفان معرفی کرد و از آیت‌الله خمینی، بعنوان "تنها کسی که در زیر این آسمان و تنها در این مقطع از زمان قادر است تصمیمات پیاپی را بگیرد" درخواست کرد تا بین سدمزاجان از پیش پای انقلاب برود.

خمینی در آن جلسه جواب صریحی نداد. ولی رفسنجانی چند روز بعد، در مصاحبه مطبوعاتی خود اعلام داشت که حضرت امام قول داده اند قدری فکر کنند و بیژودی تصمیم خواهند گرفت. اما از ظرفی، آیت‌الله منتظری که حریف دیگر این بازی است و آخوندهای متنفذ طرفدار فقه سنتی را پشت سر دارد، در ملاقات با اعضای شورای نگهبان، مسئولیت آنها را در انتخابات گوشزد کرد و گفت:

"من همواره سفا رش کرده‌ام که میبایست با دقت مسائل را بررسی کرد و وقتی تشخیص داده شد روی آن ایستادگی کرد و تحت تأثیر جوسازی‌های کاذب قرار نگرفت. احترام به شورای نگهبان یک امر ضروری است و نباید بگذاردیم خدای نا کرده بسرنوشت علماء طراز اول در تمام قانون مشروطه مبتلا شود..."

حال نوبت آیت‌الله خمینی است که ورق خود را بازی کند و با آنطور که حجت الاسلام رفسنجانی آرزو دارد که سوزگوش شورای نگهبان را نیز مانند حزب جمهوری اسلامی درهم بریزد و با ملاحظه آخوندهایی که هنوز نمیتوان قدرت و نفوذشان را نادیده گرفت، همچنان به کج‌دار و موریز

نشانی:



QYAM IRAN
C/O G.B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد